



**بعد فکری شخصیت**  
**علامه مصباح یزدی (ره)**  
 مصاحبه لسان بادکتر  
 حجت الاسلام علی مصباح



# استاد فکر

پرونده ویژه بزرگداشت علامه محمد تقی مصباح یزدی (ره)

نشریه تخصصی بصیرت و سیاست  
**بسیج مدرسه علمیه بقية الله**  
**شماره سوم • دی ماه ۱۴۰۲**

**بصیرت سیاسی:**

**جایزه صلح نوبل برای برهم زندگان صلح**  
 بررسی رویکرد سیاسی در اهدای جایزه صلح نوبل

**اندیشه سیاسی:**

**تقابل اسلام آمریکایی و اسلام ناب**  
**محمدی (ص) در اندیشه امام خمینی**

**تاریخ سیاسی:**

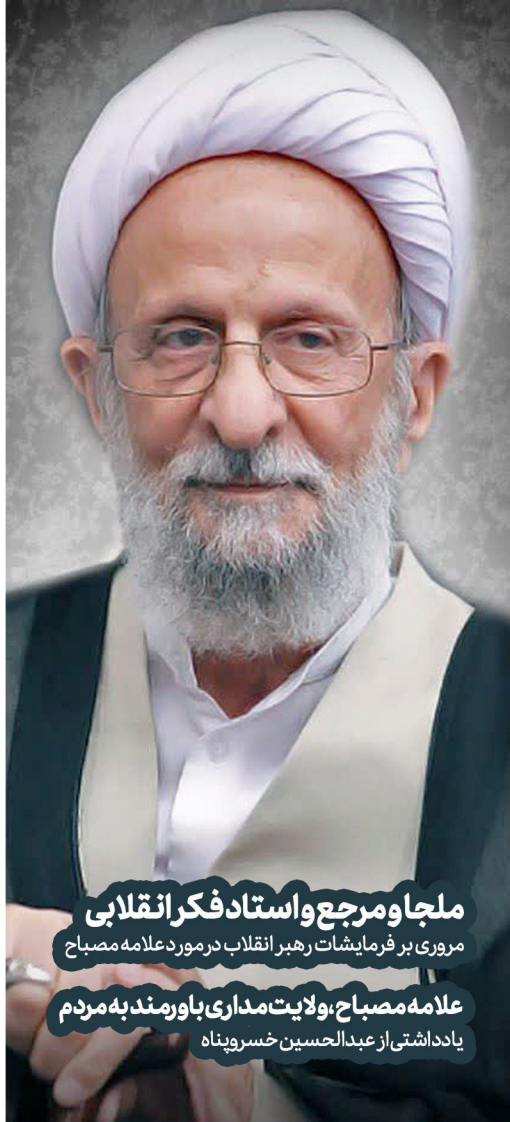
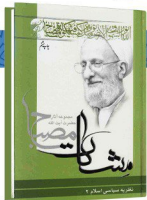
**نهضت میرزا کوچک خان؛**  
**مینیاتوری از جمهوری اسلامی**

**گریز:**

**اقیانوس حیرت**  
 چطور بدرقه باشکوه حاج قاسم سلیمانی باعث  
 حیرت رسانه ها و اندیشکده های غرب شد؟

**بی بدیل:**

**معرفی کتاب**  
**نظریه سیاسی اسلام**  
**علامه مصباح یزدی**



**ملجا و مرجع و استاد فکر انقلابی**

مروری بر فرمایشات رهبر انقلاب در مورد علامه مصباح

**علامه مصباح، ولایت مداری باورمند به مردم**

یادداشتی از عبدالحسین خسروپناه



نشریه تخصصی بصیرت و سیاست  
بسیج مدرسه علمیه بقیة الله عجل الله فرجه  
شماره سوم • دی ماه ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: بسیج مدرسه علمیه  
حضرت بقیة الله (عجل الله تعالی فرجه)  
سرمدبیر: مبین سپهوندی  
طراح و گرافیسیت: محمد علی تقی پور  
هدیه نشریه: ۲۵۰۰۰ تومان  
۵۸۵۹ - ۸۳۷۰ - ۰۹۳۶ - ۳۹۵۹  
به نام: مدرسه علمیه حضرت بقیة الله (عج)

@ b a s i j \_ m e b q



## فهرست مطالب

### ویژه نامه

- ۴..... ■ بُعد فکری شخصیت علامه مصباح
- ۹..... ■ ملجا و مرجع و استاد فکر انقلابی
- ۱۳..... ■ علامه مصباح یزدی ولایت مداری باورمند به مردم

### بصیرت سیاسی

- ۱۴..... ■ جایزه صلح نوبل برای برهم زندگان صلح

### اندیشه سیاسی

- ۱۹..... ■ تقابل اسلام آمریکایی و اسلام ناب محمدی (ص) در اندیشه امام خمینی

### تاریخ سیاسی

- ۲۷..... ■ نهضت میرزا کوچک خان؛ مینیاتوری از جمهوری اسلامی

### گریز

- ۳۶..... ■ اقیانوس حیرت

### بی بدیل

- ۴۲..... ■ معرفی کتاب نظریه سیاسی اسلام علامه مصباح یزدی

## سرمقاله:

مبارک، مستلزم همراهی و به هم پیوستگی آحاد مومنین با یکدیگر و تبعیت فکری و قلبی و عملی از مقام شامخ ولی خداست که در نوک پیکان این حرکت مبارک قرار گرفته و راهبری امت را در دست دارد. نوشتار لسان به همت طلاب بسیجی مدرسه علمیه بقیه الله (عج) جان و حیات می گیرد و فرصتی است تا از سرچشمه ناب اندیشه پیر و مرادمان، مشق عشق کنیم و به ریسمان گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه ناب آن تمسک جویم و بصیرت و بینش سیاسی خود در عالم طلبگی را ارتقاء بخشیم. **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.** به فضل الهی و حمایت مخاطبین عزیز، سومین شماره نشریه بصیرتی سیاسی لسان، ویژه نامه رحلت اندیشمند فرزانه، علامه محمدتقی مصباح یزدی (ره) منتشر می گردد.

مبین سپهوندی

تلاطم حوادث، انسان سرگردان قرن ۲۱ را بالا و پایین می برد و چالش های متمدنی مادی و معنوی، کلاف سردرگم حیاتش را پیچیده تر می کند. انسانی که امانتدار دین حنیف و **فِطْرَتِ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا** بود، به اسیر حقیری میان آهن و بتن تبدیل شده و در جستجوی آزادی حقیقی و وطن گمشده خود لحظه شماری می کند. نجات از این شعله های سرد و حیوانی، و رسیدن به آغوش گرم و انسانی آزادی معنوی، تنها با پناه جانانه و تمسک فکری، قلبی و عملی به دژ محکم ولایت حاصل می شود و این همان راه گمشده بشریت است. ولایت همان نقشه محکم و هنرمندانه ای است که خالق هستی، برای جامعه ایده آل انسانی و حیات طیبه طراحی کرده که با رسیدن به آن جهانی پر از عدل و آزادی و انسانیت بسازد و از تیرگی های جهل و ظلم و حیوانیت دور شود. این مسیر دشوار اما

بخش های ویژه نامه:

## ■ بعد فکری شخصیت علامه مصباح

مصاحبه لسان با دکتر حجت الاسلام علی مصباح

## ■ ملجا و مرجع و استاد فکر انقلابی

مروری بر فرمایشات رهبر انقلاب در مورد علامه مصباح

## ■ علامه مصباح، ولایت مداری باورمند به مردم

یادداشتی از عبدالحسین خسروپناه

شاء الله که این گفت و گوی مامور در رضایت بقية الله الاعظم باشد. آیت الله مصباح (رضوان الله علیه) آموزش حوزوی خودشان را از همان یزد شروع کردند که بعد از دوره ابتدایی که در آن زمان رایج بود وارد حوزه شدند و درس های مقدمات و اینها را در همان حوزه یزد تلمذ کردند و برای ادامه تحصیلشان به نجف مشرف شدند. به دلیل مشکلاتی که بود - مثل این که خانواده ایشان والد و والدشون همراشان هجرت کردند به نجف و آنجا وضع زندگیشان جور نشد و نتوانستند ادامه بدهند و والده ایشان وابستگی شدید به ایشان داشتند و نمیتوانستند ایشان را آنجا بگذارند و برگردند - به هر حال به اصرار والدینشان ایشان هم از نجف برگشتند به ایران و آمدند قم. در قم در درس اساتید برجسته آن زمان از جمله آیت الله بروجردی، آیت الله بهجت، علامه طباطبایی، حضرت امام خمینی (رضوان الله

ویژه نامه:

## استاد فکر

پرونده ویژه بزرگداشت علامه

محمدتقی مصباح یزدی (ره)



## مصاحبه لسان با دکتر حجت الاسلام علی مصباح

لسان: در مورد بعد و برد فکری زندگی و شخصیت علامه مصباح (ره) خصوصاً با توجه به رسالت امروز روحانیت توضیحی بفرمایید.

حجت الاسلام علی مصباح:

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين لا سيما بقية الله في الارضين و ارواح العالمين له الفدا. اول تشكر ميكنم از جناب عالی و همكاران محترمتون که در معرفی چهره ها و شخصیت های حوزوی هم به طلاب حوزه هم به بیرون حوزه اهتمام دارید. ان



دچار التقاط میشدند مثل منافقین که آن زمان به اسم مجاهدین خلق معروف بودند. آیت الله مصباح چنین وظیفه ای را برای خودشان تشخیص دادند که باید در برابر این سیل بنیان بر افکن اندیشه اسلامی یک کاری کرد و جوابی داد، جواب های متقن قابل فهم و قابل پذیرش برای آن جوان هایی که تحت تاثیر آن ادبیات و آن موج فکری قرار گرفته بودند. البته در این جهت ایشان تنها نبودند و قبل از ایشان استادشان مرحوم علامه طباطبایی این کار را شروع کرده بودند و کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم را در جواب همین شبهات مطرح کرده بودند. همچنین شهید مطهری هم در پاورقی های آن کتاب و هم در مباحث دیگری که مطرح فرموده بودند وارد این میدان شده بودند. آیت الله مصباح هم چنین خلئی را احساس کرده بودند و در پاسخگویی به این شبهات میدان دار شدند. البته نیاز های جامعه فقط هم این نبود بلکه افکار غربی ای که حکومت طاغوت پشیمان می کرد و حمایت می کرد که آن افکار در زمینه های مختلف اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و... به هر حال در این زمینه ها دولت و حکومت طاغوت غلام حلقه به گوش غربی ها بود و از طریق آن سعی

آیت الله اراکی و امثال این بزرگواران شرکت کردند و آن طور که خودشان می فرمودند بعد بیست و هفت سالگی دیگر تقلید نکردند و با استنباط و اجتهاد خود مسائل شرعی را استنباط می کردند. روال عمومی حوزه های علمیه تا الان هم تقریباً به همین شکل هست که درس اصلی حوزه فقه و اصول هست و در این زمینه یک سابقه هزار و چند ساله وجود دارد و چهره های بسیار برجسته ای در این زمینه در جهان اسلام ظهور کردند و مایه افتخار جهان شیعه هستند. نکته ای که آیت الله مصباح به آن توجه کردند این بود که در کنار فقه و اصول به عنوان خط اصلی جریان حوزوی، نیاز های جدیدی هم وجود دارد که به غیر از تحصیل کردگان حوزوی نمیتوانند آن ها را برآورده بکنند، به دلیل اینکه مربوط میشود به اسلام و مربوط میشود به معارفی که از دل کتاب و سنت و منابع اسلامی باید استخراج بشود و جوابش داده بشود؛ از جمله شبهات و مسائلی که در یک دوره توسط مارکسیست ها مطرح شد و جو جامعه را فرا گرفته بود و بسیاری از جوان ها را چه از لحاظ فکری و چه از نظر سیاسی به اردوگاه شرق متمایل می کرد و عده زیادی از جوان ها از اسلام رسماً خارج میشدند، بعضی

به صورت قابل فهمی برای جوان ها بیان بکنند. آیت الله مصباح یک ویژگی که کارشان داشت این بود که سعی میکردند افرادی را تربیت کنند که چنین کاری را بتوانند انجام دهند. هم به این دلیل که با یک نفر و دو نفر و چند نفر کار پیش نمیرفت، یک کار بزرگی بود که برای یک مخاطب چند میلیونی باید کار میشد در داخل و همچنین این منحصر در کشور ما نبود، در کشورهای اسلامی هم وضع

همین بود، در کشورهای غیر اسلامی دیگر بدتر هم بود. آیت الله مصباح یک رسالت جهانی برای روحانیت قائل بودند. نه اینکه اکتفا بکنیم به اطرافیان خودمان و شهر و روستایمان را

تبلیغ بکنیم، این را کافی نمی دانستند و این را بریاً الذمه نمی دانستند. لذا سعی میکردند نیروهایی را تربیت کنند که آنها هم بتوانند هم در این مسیر کار را پیش ببرند با همکاری همدیگر و هم در ادامه چون این کار یک کار دائمی خواهد بود. لذا هم در فلسفه اسلامی و هم در تفسیر قرآن کریم و هم در زمینه دیگر ایشان شروع کردند به برگزاری کلاس ها و جلساتی که افرادی را با این مبانی قوی تربیت کنند. لذا ابتدا در مدرسه حقانی با

میکردند که این افکار در جامعه نهادهینه شود و یک کارزاری در مقابل فکر اسلامی برپا شده بود. در کنار اینها نگاه های التقاطی وجود داشت که منافقین بودند، دکتر شریعتی بود، دیگری بودند که سعی میکردند با یک پوششی از مسائل اسلامی همان افکار چپی یا راستی، شرقی یا غربی را به اصطلاح با یک زوروقی از آموزه های اسلامی بپذیرند و آن را ترویج میکردند. چون در این زمینه ها اولاً افرادی که کاملاً

واقف باشند به آن ایده هایی که دارد تبلیغ می شود و احیاناً به صورت پنهان زیر نقاب اسلامی دارد بیان میشود کم بودند، کسانی که به آنها اشراف داشته باشند و بتوانند آنها را

به گونه متقن و قابل دفاعی جواب بدهند کم بودند. خب یکی از میدان هایی که آیت الله مصباح وارد شدند همین میدان مبارزه با انحرافات فکری بود که انواع و اقسامش در جامعه رواج پیدا میکرد و یک خطر بزرگی بود برای تفکر اسلامی و به دنبالش برای آن هدفی که امام برای آن مبارزه میکردند که تاسیس یک حکومت بر اساس اسلام بود تلاش و اقدام میکردند. خب این کار هم نیاز به یکسری مبانی فکری عمیق داشت و هم اینکه آن را





رشته های مختلف علوم انسانی را کلید زدند و بعدها منجر شد به این که در شکل های مختلفی و در قالب های دیگری این کار ادامه پیدا کرد تا به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) منجر شد. در تمام این دوران زندگی علمی ایشان وقتی نگاه می کنیم، یک خط کلی در تمام این مسیر توسط مرحوم آیت الله مصباح دنبال شده و آن این که نیازهای روز جامعه اسلامی را با معارف اسلامی پاسخگو باشند و آن را تشخیص بدهند و در برآوردن آن نیاز در حد مقدور تلاش کنند. البته نگاه ایشان محدود به داخل جامعه اسلامی ایران هم نبود و همانطور که عرض کردم ایشان یک رسالت جهانی بر اساس آموزه های اسلام برای روحانیت قائل بودند که اسلام دین جهانی است و کسی که خودش را وقف شناخت اسلام و تبلیغ اسلام می کند نباید خودش را محدود به داخل جامعه بکند بلکه باید افق نگاهش را به کل جهان و کل بشریت تعمیم دهد و برای آن هم فکر کند و برنامه داشته باشد. لذا ایشان سفرهای متعددی به کشورهای مختلف اسلامی و غیر اسلامی داشتند و ضمن این که با نیازها و فضاهای فکری و فرهنگی آنها آشنا می شدند با متفکرین از مسلمان و غیر مسلمان در آن کشورها

شهید بهشتی و شهید حقانی و آیت الله جنئی هیئت مدیره آن مدرسه را تشکیل دادند و در آنجا هم تدریس فلسفه و تفسیر قرآن و اخلاق داشتند و هم در مدیریت مدرسه مشارکت داشتند. بعدها وقتی مسائل جدی تر شد و نیاز به تربیت نیروهای در سطح بالاتر هم پیدا شد در موسسه در راه حق مجموعه ای را تشکیل دادند برای این که افرادی را تربیت کنند که بتوانند پاسخ به شبهات - مخصوصاً در آن زمان شبهات مارکسیستی که رواج داشت - را بدهند. و این منتهی شد به پیروزی انقلاب اسلامی که نیروهایی که آنجا تربیت شده بودند خیلی در پیشبرد اهداف نظام موثر واقع شدند. آن نیروهای تربیت شده هسته های اولیه ای شدند که بتوانند پایه های فکری نظام سازی در جمهوری اسلامی را پیش ببرند. لذا زمانی که حضرت امام درباره بازسازی علوم انسانی و اسلامی سازی علوم انسانی به تعبیر امروزی، به ستاد انقلاب فرهنگی آن زمان دستور فرمودند که بروید دستتان را نزد حوزه های علمیه دراز کنید، تقریباً تنها مجموعه ای که وجود داشتند و می توانستند این بار را بردارند همان مجموعه شاگردان آیت الله مصباح بودند که دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را تشکیل دادند و بحث ورود در



بار نیایند به این که هرچه ایشان می فرمایند به دلیل جایگاه بلند و نظریات صائب و قابل دفاعی که دارند در عین حال دعوت به نقادی می کردند. مکرر این حرف ارسطو را نقل می کردند که گفته من افلاطون - که استادش بوده - را خیلی دوست دارم اما حقیقت را از او بیشتر دوست دارم. بنابراین اگر جایی به این نتیجه برسیم که او اشتباه کرده حقیقت را ترجیح می دهیم. لذا این هم یکی از ویژگی های بارز آیت الله مصباح بود که افراد را متفکر بار می آوردند به جای این که متعبد باشند. در زمینه موضوعات کاری هم خود را منحصر در یک موضوع نمی کردند. باین که گاهی چنین گرایشی در طلاب و دانشجویان و هرکسی که در زمینه ای شاگردی می کند، غالباً چون راهی که گذشتگان رفتند راه کوییده شده ایست و در آن راه رفتن راحت تر است، ایشان شاگردان خود را بر حذر می داشتند از این که چون صرفیین چنین کردند ما هم چنین می کنیم! خلاف اسلام و آموزه های دینی است. شما بیاد ببینید چه کار باید بکنید و شاید گذشتگان اشتباه کردند و دلیل نمی شود که هرکاری کردند درست بوده است. ممکن است مقامشان بسیار

هم تعاملات زیادی داشتند و گفتگوهای مفصلی در دانشگاه ها و کلیساها و مدارس و... داشتند و در این تعاملات سعی می کردند که هم توجه آن ها را به اسلام و تعالیم اسلامی جلب کنند و هم نیازهای آن ها را بشناسند و هم احیاناً نیروهایی که آنجا مستعد بودند برای این که در ادامه ای حرکت موثر باشند، شناسایی کنند و ارتباط بگیرند و احیاناً بعضی از آنها را برای ادامه تحصیلات و ادامه کارها به کشور

دعوت کنند و روی آنها سرمایه گذاری کنند برای این که این مسیر ادامه پیدا کند. از ویژگی های فکری و علمی آیت الله مصباح این بود که شاگردانشان را مستقل بار می آوردند. خیلی



استقبال نمی کردند از این که شاگردان بگویند بله بله حرف شما درست است و هرچه شما بگویید قبول می کنیم! بلکه کاملاً آن ها را وادار می کردند به این که حتی حرف های خود آیت الله مصباح را هم نقادی کنند. اگر کسی سوالی یا شبهه ای یا نقدی به بعضی از نظریات و فرمایشات ایشان داشت، خیلی استقبال و تشویق می کردند که بروید فکر کنید شاید چیزی که به ذهن من رسیده غلط باشد. خیلی با تواضع و فروتنی برخورد می کردند که افراد متعبد



## ملجأ و مرجع و استاد فکر انقلابی

### گفتاری از رهبر معظم انقلاب

حضرت آیت الله خامنه‌ای در پیام تسلیت در پی درگذشت آیت الله مصباح یزدی فرمودند: «باتأسف و تأثر فراوان خبر درگذشت عالم ربانی، فقیه و حکیم مجاهد، آیه الله آقای حاج شیخ محمد تقی مصباح یزدی را دریافت کردم. این، خسارتی برای حوزه‌ی علمیه و حوزه‌ی معارف اسلامی است.» نشریه لسان به مناسبت سالگرد رحلت عالم ربانی آیت الله مصباح یزدی در ویژه نامه استاد فکر، گزیده‌ای از بیانات رهبر انقلاب درباره‌ی شخصیت، اندیشه و آثار ایشان را بازخوانی می‌کند.

هم والا بوده باشد و ما خاک پایشان را سرمه چشممان می‌کنیم، ولی غیر از معصوم برای هیچ کس تضمین این که تشخیصش مطابق با واقع باشد وجود ندارد؛ بنابراین در هر جایی شما باید ببینید وظیفه تان چه هست و الآن چه اقتضاء و نیازی وجود دارد و از چه راهی باید آن را تامین کرد. ممکن است در گذشته نیازهایی بوده که راهش هم به دلیل نبود شرایط و دلایل مختلف محدود به مواردی بوده، ولی امروز نیازها متفاوت شده باشد و راه‌ها و امکانات جدیدی فراهم شده باشد که شما باید در این شرایط فکر کنید و قدم بردارید. به هر حال این‌هنگاتی بود که به نظرم رسید که شاید برای خوانندگان شما مفید باشد. امیدواریم خداوند متعال به همه ما توفیق دهد که در شناخت و انجام وظیفه موفق باشیم و همه این مسیر راه با خلوص نیت و بخاطر خدا و نه به دلیل دیگری طی کنیم و توفیق خدمت‌گذاری داشته باشیم.

اهل حضور انقلابی در میدان‌ها؛ ایشان متفکری برجسته، مدیری شایسته، دارای زبان گویائی در اظهار حق و پای با استقامتی در صراط مستقیم بودند. خدمات ایشان در تولید اندیشه‌ی دینی و نگارش کتب راه‌گشا، و در تربیت شاگردان ممتاز و اثرگذار، و در حضور انقلابی در همه میدان‌هایی که احساس نیاز به حضور ایشان میشد، حقا و انصافاً کم نظیر است.

۱۳۹۹/۱۰/۱۳

الگوی کار علمی برای حوزه:

مؤسسه باقر العلوم (علیه الصلوة والسلام) و همچنین مؤسسه «در راه حق»، تا آنجایی که من دانستم و شناختم، جزو مراکز بسیار با برکت و مفید و خوش عاقبت و تقلید کردنی و [قابل] قدر دانی است.

۱۳۶۸/۱۱/۱

مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی خوب، جامع و کامل می‌تواند از لحاظ تلاش پیگیر، خستگی ناپذیر، خالصانه و عالمانه الگویی برای حوزه باشد. وجود کمالات فضل و اخلاص و تقوای آیت الله مصباح یزدی در مدیریت یک موسسه موجب افزایش برکات الهی است. ۱۳۸۹/۸/۳

مورد هجوم تبلیغات دشمن:

شمامی بینید این هجوم‌های تبلیغاتی را که به شخصیت‌های برجسته، به انسان‌های والا

توفیق سلوک در طریق معرفت توحیدی؛ پارسائی و پرهیزگاری خصلت همیشگی ایشان از دوران جوانی تا آخر عمر بود و توفیق سلوک در طریق معرفت توحیدی، پاداش بزرگ الهی به این مجاهدت بلند مدت است. ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

[آقای مصباح] واقعاً از مفاخر زمان ما و از برکات خدا بر ملت و بر حوزه‌ها و بر جوانان ماست. ۱۳۷۷/۰۹/۲۵

منبع اندیشه بی‌غل و غش اسلامی:

جناب آقای «مصباح» که حقیقتاً یکی از وجودهای مبارک و مغتنم و منبع فکر و اندیشه‌ی بی‌غل و غش معارف اسلامی در دوره‌ی ما هستند. ان شاء الله خداوند وسیله بهره‌مندی هر چه گسترده‌تر و عمیق‌تر جوانان را از این سرچشمه‌های معرفت فراهم نماید. ۱۳۸۱/۵/۱۷

مثل علامه طباطبایی و شهید مطهری:

من ایشان را نزدیک به چهل سال است میشناسم و به ایشان ارادت قلبی دارم؛ فقیه، فیلسوف، متفکر و صاحب نظر در مسائل اساسی اسلام. اگر خدای متعال به نسل کنونی ما این توفیق را نداد که از شخصیت‌هایی مثل علامه طباطبایی، یا شهید مطهری استفاده کند، بحمد الله این شخصیت عزیز و عظیم، خلاء آن عزیزان را در زمان ما پر میکنند. ۱۳۷۸/۶/۱۳



طباطبائی بایک عدّه‌ی معدود مثلاً چهل پنجاه نفره بود؛ اما حالا مثلاً جناب آقای جوادی که سالها [است] در این زمینه [فعالند]، جناب آقای مصباح، جناب آقای سبحانی و تشکیلاتشان در زمینه‌ی مسائل کلامی، و درسهای متعدد فلسفه‌ای که شنیدم در قم هست، اینها زمینه‌ی ترویج و اعتلای علوم عقلی را به انسان مزده میدهد که چنین زمینه‌ای به وجود آمده.

۱۳۹۷/۲/۳

خسارت خبرگان بدون حضور آقای مصباح: بعضی از بزرگان ما هستند که اینها رأی آوردن و نیاوردنشان، هیچ مساسی به شخصیت اینها پیدا نمیکند. بعضی هستند که مجلس خبرگان از حضور آنها بهره‌مند میشود، نه آنها از حضور در مجلس خبرگان. امثال جناب آقای یزدی یا جناب آقای مصباح، کسانی هستند که وقتی در مجلس خبرگان حضور داشته باشند، مجلس وزانت بیشتری پیدا میکند. نبودن اینها در مجلس خبرگان، به اینها هیچ‌گونه ضرری نمیزند. بله، برای مجلس خبرگان نبودن اینها خسارت

است. ۱۳۹۴/۱۲/۲۰

منبع خیر و برکت از لحاظ فکری:

تفکر دینی ما، ارتباط با خدا، ارتباط با منبع قدرت، منبع زیبایی و منبع وجود است.

و با اخلاقهای برجسته می‌کنند؟ اینها همه اش نشان دهنده‌ی اهداف و نیت دشمن است. وقتی یک نفر مثل جناب آقای مصباح مورد هجوم تبلیغاتی قرار می‌گیرد، می‌بینید که همین «و هم ینهون عنه و ینأون عنه». حرف رسا و نافذ، منطق قوی و مستحکم، هر جایی که باشد، دشمن آنجا را زود تشخیص می‌دهد؛ چون حسابگر است. دشمن آنجا را می‌شناسد و به مقابله اش می‌آید. با مرحوم شهید مطهری

نیز همین‌گونه برخورد کردند. ۱۳۷۹/۶/۱۰

از کتب و معارف آیت‌الله مصباح استفاده کنید باید کاری کنید که این پایه‌های [اعتقادی] چنان مستحکم شود که جز در خدمت قرآن و اسلام و اهل بیت علیه‌السلام قرار نگیرد. به نظر من، یکی از کارهایی که می‌تواند خیلی به این قضیه کمک کند، این است که از کتاب‌های شهید مطهری و معارف بزرگانی که بحمد الله امروز هستند، از قبیل آقای «مصباح» و دیگران، که واقعاً مبانی فکری اسلامی را در دست دارند، استفاده کنید. ۱۳۸۰/۴/۴

تلاش برای ترویج و اعتلای علوم عقلی: خوشبختانه در دوران جمهوری اسلامی علوم عقلی رونق گرفته. خوب، در قبل از انقلاب در قم خبری نبود؛ زمانی که ما بودیم، مثلاً فرض کنید یک درس آقای

استفاده میکرد. از جمله‌ی آن کسانی بود که «مَنْ يَذَكِّرْكُمْ اللَّهُ رُؤْيَتَهُ» بود؛ رؤیت ایشان هم آدم را کمک میکرد، پیش می‌برد، به یاد خدای انداخت. ۱۴۰۱/۱۰/۰۵ «مبکر (طرح ولایت)» و «مرکز تحقیقات امام خمینی»؛

«طرح ولایت» یکی از ابتکارات ایشان [مرحوم آقای مصباح] است؛ همین تشکیلات عظیم مرکز تحقیقات امام خمینی یکی از همان ابتکارات است؛ کتابهایی که ایشان نوشته‌اند، چه کتابهای علمی، چه آنچه مربوط به اخلاقیات و معنویات و [برای] استفاده‌ی عموم و مانند اینها است، یکی از آن کارها است؛ اینها را نباید گذاشت تعطیل بشود. الحمدلله آثار ایشان از همه جهت خوب است. ۱۴۰۱/۱۰/۰۵

مرجع و استاد مسائل فکری:

مرحوم آقای مصباح (رضوان الله علیه) یک استاد فکر بود؛ البته ایشان کارهای سیاسی و فکرهای سیاسی هم میکردند، درباره‌ی آنها [یعنی] مسائل سیاسی بحثی ندارم، [لکن] درباره‌ی مسائل فکری یک راهنما و مرشدی بود که میتوانست مرجع و ملجأ باشد. این جور آدم‌ها لازمند که استاد فکر باشند. ۱۴۰۱/۰۲/۰۶

هرچه این ایمان، قویتر و این استدلالها، استدلالهای محکم باشد، بهتر است. خوشبختانه امروز اساتید بزرگی هستند... از اینها میتوانید حد اکثر استفاده را بکنید. در قم، بزرگان و اساتیدی مثل آقای «مصباح» و دیگران هستند؛ هرچه میتوانید، از آنها استفاده کنید. آنان برای شما از لحاظ فکری، خیلی منبع و منشأ خیر و برکتند. ۱۳۷۶/۱۱/۱۱

کسی مثل آقای مصباح با این خصوصیات نداریم:

مرحوم آقای مصباح (رضوان الله علیه) یک خصوصیات منحصر به فردی داشتند که من در مجموعه‌ی فضلالی برجسته‌ی قم که از قدیم می‌شناختم، و حالا هم بحمد الله برکات بعضی‌شان ادامه دارد، نگاه میکنم، جامع این خصوصیات را کسی مثل مرحوم آقای مصباح مشاهده نمیکنم؛ علم فراوان، فکر خوب و نوآور، بیان رسا و واضح، انگیزه‌ی تمام نشدنی و بی‌ظنیر، خلیات و رفتارهای شایسته و برجسته، سلوک و معرفت و توجه معنوی و مانند اینها؛ مجموع اینها را واقعاً انسان نمیتواند پیدا کند. اینها در آقای مصباح جمع بود. ۱۴۰۱/۱۰/۰۵

دیدارش موجب یاد خدا بود:

وجود ایشان [مرحوم آقای مصباح] واقعاً مایه‌ی برکت بود، آدم از دیدن ایشان

قرآن شناس عمیق را استماع می کردم و سپس شرکت در جلسات وی در دزفول، که روشنگر اهل معرفت بود. اولین کتاب فلسفی که خواندم فلسفتنا شهید صدر بود که به توصیه معظم له درس هایشان را استماع کردم و ایشان متواضعانه اشکالات این مسکین را برطرف می کرد. این فقیر تا آخر عمر بابرکت این مفسر حکیم، خوشه چین دانش او بود و ممکن نبود دیداری شود و درسی نیاموزد. علامه مصباح یزدی متفکری حکیم و نظریه پرداز ذی دقت بود. فلسفه را با روش استدلالی و معارف قرآن را با روش استظهاری و استنطاقی و تفقه را با روش اجتهادی بحث می کرد. «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرٌ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» حقا که این مجاهد علامه، نظریه پرداز در فلسفه اخلاق و علم النفس و هستی شناسی و معرفت شناسی و دین شناسی و فلسفه الاجتماع بود. وقتی توفیق دیدار حاصل می شد هویت متواضعانه و متعبدانه او نمایان بود. چقدر خوش می گذشت وقتی به ایشان در نماز اقتدا می کردم نماز ملکوتی آیت الله العظمی بهجت را تداعی داشت. رکوع و سجودش مملو از توجه بود.



## علامه مصباح (ره)، ولایت مداری باورمند به مردم

### یادداشتی از عبدالحسین خسروپناه

دوستان و دشمنان در حق علامه استاد مصباح یزدی کوتاهی یا ستم کردند. برخی از دوستان ناآگاهانه تنها چهره سیاسی از وی نشان دادند و او را پدر معنوی حزبی خواندند. دشمنان هم آگاهانه به تخریب این دانشمند و حکیم برجسته معاصر پرداختند و جاهلان و بیماران ادامه دادند. اگر آیت الله مصباح یزدی در آلمان بود همچون کانت، حرمت تفلسف او نگه می داشتند و اگر در آمریکا بود، اندیشه او را معیار ایدئولوژی خود می ساختند. ای کاش شاگردانش به ترویج اندیشه حکمی او می پرداختند. اما استاد مصباح یزدی کیست؟ بنده از آغاز دهه شصت با معظم له آشنا شدم ابتدا مباحث معارف قرآن این

بصیرت سیاسی:

## جایزه صلح نوبل برای برهم زندگان صلح

بررسی رویکرد سیاسی در اهدای جایزه صلح نوبل



این روزها که دنیا شاهد جنایات و کشتار کودکان و زنان فلسطینی هستند، باز هم غرب و اینبار با عنوان صلح به دنبال انحراف افکار عمومی دنیا می باشند. گرچه کمیته انتخاب جایزه نوبل صلح روز ۶ اکتبر، ۱۴ مهر در مقر این کمیته در اسلوپایتخت نروژ نام نرگس محمدی را به عنوان برنده نوبل صلح ۲۰۲۳ اعلام کرد و این جایزه به ارزش حدود یک میلیون دلار در مراسمی با حضور مخالفان جمهوری اسلامی ایران، به فرزندان وی داده شد. اما انتظار جامعه بین المللی این بود که حداقل مراسم اهداء جایزه صلح را به تاخیر می انداختید. این در حالی است که نه تنها چنین نشد، بلکه باعث ذوق زدگی اسرائیلی ها هم شد.

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ». درس اخلاق استاد در دفتر مقام معظم رهبری، سیراب کننده اهل اخوت با مومنان بود «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ».

استاد مصباح یزدی ولایت مداری باورمند به مردم بود و نقش مردم در حکومت داری را حداکثری می دانست نقشی که مدعیان مردم داری نه در نظر و نه در عمل بدان اعتقاد نداشتند. ولایتمداری او هم با ولایتمداری سیاسیون متفاوت بود؛ واقعی و حقیقی و خالصانه، زیست ولایتمدار داشت. مرحوم حکیم مصباح یزدی اهل تجارت نبود؛ اگر بود فقط با خدا بود و لذا اهل ذکر و نماز و انفاق و خشیت الهی بود. «رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ»

اسلام علامه مصباح، اسلام ناب محمدی و اسلام امام خمینی بود و همین بس است که هرچه متحجران و مرتجعان، تخریب و توهینش کنند؛ اما هیچ تخریبی و توهینی، این حکیم نظریه پرداز را به حاشیه نمی راند. علامه مصباح یزدی همیشه در متن انقلاب زنده است. «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَتَىٰ»



ذوق زدگی رسانه‌های صهیونیستی هم شاهدهی دیگر بر این ادعاست. رسانه‌های این رژیم با انتشار گسترده این خبر به آن واکنش نشان دادند. تایمز اسرائیل، رادیو رژیم صهیونیستی، و روزنامه هآرتس از رسانه‌هایی بودند که با انتشار این خبر به آن واکنش نشان داده و از این اقدام کمیته نوبل صلح ابراز خرسندی کردند.

اقدامی که قبلاً هم مرسوم بود. با این حال باز هم ساختارهای غربی نشان داد که در نگاه آنها تنها منافع غرب و لیبرال-صهیونیستی برایشان خط قرمز است و دیگر کسی بر خلاف منافع بحران ساز غرب به دنبال صلح باشد، از نگاه آنها جایزه صلح به آنها تعلق نمی‌گیرد. یعنی اگر روزی نتانیاهو همچون روسای قبل رژیم صهیونیستی جایزه صلح نوبل را دریافت کند، نباید شک کرد. بررسی روند گذشته نحوه اهدای جایزه صلح نوبل نشان می‌دهد که معیار انتخاب افراد دریافت‌کننده این جایزه بیشتر رویکرد سیاسی داند. آمریکا با ۴۱۲ بار بالاترین سهم را به لحاظ تعداد در کسب این جایزه داشته و پس از آن بریتانیا با ۱۳۸ و آلمان با ۱۱۵ بار به ترتیب دوم و سوم هستند. فرانسه و سوئد رتبه‌های چهارم و پنجم را دارند اما پس از آن شوروی و روسیه رتبه ششم را دارد. وودرو

ویلسون رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکادر بین سال‌های ۱۹۲۱-۱۹۱۳ برای نقش خود در تأسیس جامعه ملل برنده این جایزه شد. جامعه ملل پس از جنگ جهانی اول تأسیس شد و وظیفه آن تقسیم جهان به دو قطب شرق و غرب و استعمار کشورهای اقماری بود. جیمی کارتر (۱۹۷۷-۱۹۸۱) دیگر رئیس‌جمهور برنده است که به خاطر واسطه‌گری برای صلح ننگین کمپ دیوید و خیانت به آرمان فلسطینیان به این جایزه رسید.

از دیگر رؤسای جمهور آمریکا که جایزه نوبل صلح را دریافت کرد و موجب تعجب بسیاری در جهان شد باراک اوباما بود. او بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۷ رئیس‌جمهور و او بود که فرمان مشارکت کشورش در تهاجم علیه لیبی را صادر و کشتار هزاران لیبیایی را رقم زد. از طرفی دوتن از خون ریزترین نخست‌وزیران اسرائیل تاکنون موفق به دریافت این جایزه شده‌اند. اسحاق رایین و شیمون پرز دو نخست‌وزیری هستند که به خاطر بزرگ‌ترین کلاهبرداری قرن یعنی صلح با اعراب به این جایزه دست یافته‌اند. الی ویزل (اسرائیلی-آمریکایی) به عنوان بازمانده هولوکاست که روبرت فوربسون مورخ برجسته فرانسوی به او لقب «دروغگوی بزرگ» را داد هم از



این جایزه یک جایزه سیاسی است حرف گزافی نیست. چرا که بررسی‌ها نشان از طرح و برنامه‌ای هدفمند در پس اعلام اسامی این افراد دارد و هرگز منتقد و معترض دارای نگاه اپوزیسیون نسبت به نظام‌های آمریکایی یا اروپا را پیدا نمی‌کنید که همانند معارضان شرقی، نامزد جایزه صلح نوبل شده باشند! لذا بیشتر برندگان از بین زندانیان امنیتی در کشورهای بلوک شرق و از جمله ایران هستند که نظام حاکم در آن‌ها با هژمونی غرب در چالش است. وزیر امور خارجه کشورمان بدون نامبردن از این زندانی در صفحه خود در پلتفرم ایکس نوشت: "لایق‌ترین نماد صلح جهانی، سردار فدکاری بود که دوده با تروریسم و خشن‌ترین جنایتکاران مبارزه کرد و امنیت منطقه و جهان را تضمین کرد." وی حضور دهها میلیون مردم در تشییع شهید حاج قاسم سلیمانی در ایران و عراق و همدلی جهانیان را باشکوه‌ترین و ماندگارترین اعطای جایزه صلح در تاریخ نامید. سخنگوی وزارت امور خارجه هم اعطای جایزه به یک زندانی امنیتی را اقدامی سیاسی توصیف کرده و می‌گوید: جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یکی از بنیانگذاران سازمان ملل متحد

برندگان این جایزه است. الی ویزل مدعی بود که در اردوگاه‌های کار اجباری نازی‌ها بوده و توسط ارتش نازی شکنجه شده اما مورخان تجدید نظر طلب با تحقیقات تاریخی و بررسی سندها دروغگو بودن او را اثبات کردند. حال سوالی که مطرح می‌شود آیا آمریکادار طول دو قرن اخیر صلح را به ارمغان آورده است یا بیشتر بحران ساز و جنگ‌پرور در جهان بوده است؟ بنابراین روندها در اهدای جایزه صلح نشان می‌دهد که متاسفانه انتخاب افراد برای اهدای صلح با رویکردهای سیاسی صورت می‌گیرد که این خود به معنای آن است که نه تنها به افراد فعال در زمینه حقوق بشری در تفکر غرب



ارزش و جایگاهی ندارد، بلکه بیشتر برهم زندگان امنیت و تفکرات ضد بشری در جامعه بین‌الملل هستند که مورد حمایت غرب واقع شده است. بررسی نحوه انتخاب نرگس محمدی بعنوان برنده جایزه صلح نشان می‌دهد که غرب با هدف برهم زدن استقلال جمهوری اسلامی ایران دست به چنین اقدامی زده است. بنابراین جایزه صلح نوبل کاملاً سیاسی و برای فشار بر کشورهای ای است که استقلال خود را در همه زمینه‌ها حفظ کرده‌اند. گفتن اینکه



همواره بر تحقق عینی صلح در سطوح منطقه‌ای و جهانی تاکید داشته و همواره بر تقویت فرهنگ صلح اهتمام داشته است؛ اما هیچ‌گاه نمی‌خواهد از صلح و تحقق آن سوءاستفاده شود.

میزان و درجه سیاسی بودن اهدای جایزه صلح نوبل به نرگس محمدی را باید از سرعت واکنش دشمنان ایران به آن هم سنجید. شاید به جرأت بتوان گفت که گیلا گاملیل وزیر اطلاعات رژیم صهیونیستی از اولین کسانی بود که به این جایزه واکنش نشان داد و از آن ابراز خرسندی کرد. او، که اخیراً دیدار بارسانه‌های فارسی‌زبان دشمن، حمایت علنی تل‌آویور از آنها اعلام کرده بود، در صفحه خود در پلتفرم «ایکس» می‌نویسد: «امروز از شنیدن برنده شدن جایزه صلح نوبل نرگس محمدی خرسند شدم. نرگس سمبل نبرد بی‌وقفه مردم ایران بر علیه رژیم‌های که دشمن کشور اسرائیل، مردم خودش و همه جهان نیز است، می‌باشد. با هم پیروزیم، زن، زندگی، آزادی».

در حالی که جایزه نوبل صلح برای سایر رشته‌های علمی - که به ندرت به شخصیت‌های غیر غربی تعلق می‌گیرد - ممکن است از اعتبار برخوردار باشد، جایزه صلح نوبل یک جایزه بسیار سیاسی

است که سابقه استفاده برای پیشبرد برنامه‌های سیاسی غرب علیه دولت‌های مخالف هژمونی غرب را دارد به همین دلیل بسیاری از جوایز صلح نوبل جنجال‌های بزرگی را برانگیخته است. همچنین روند انتخاب برندگان جایزه از سوی منتقدان به خاطر مبهم و غیر شفاف بودن آن با انتقاد رو به رو بوده است. به همین دلیل است که بنیاد نوبل افشای اطلاعات در مورد نامزدها و روند مشورت را تا ۵ سال آینده پس از برنده شدن ممنوع می‌کند. روند انتخاب هر از چندگاهی با اتهامات جنسیت‌گرایی، نژادپرستی و اروپایی‌محور بودن کمیته جایزه رو به رو بوده است. علاوه بر این، جایزه به دلیل درک نابالغ و نارس از صلح یا به خاطر سیاسی بودن مورد انتقاد قرار گرفته است. به عنوان مثال، برخی از برندگان جایزه صلح نوبل بعداً به دلیل ارتکاب اعمالی که حقوق بشر را نقض می‌کنند مورد انتقاد قرار گرفتند.

جایزه نوبل همچنین با شواهدی مبنی بر ارتباط نزدیک با کمپین‌های سیاسی تحت رهبری سیا علیه دولت‌های خارجی مرد انتقاد قرار گرفته است. به گزارش گاردین، اسناد ایالات متحده نزدیک به یک دهه پیش فاش کرد که سیا در تلاش برای

نوبل هستند، اقدام به راه انداختن هیاهوی علیه چین می‌کنند. ما با کسی در امور قضایی چین مداخله کند مخالفیم و به خاطر دخالت چند دلچک تغییر رویه نخواهیم داد.» نمایشی به نام صلح نوبل به قدری امروز مضحک شده که در سال ۲۰۱۹، هجده نماینده جمهوری خواه کنگره آمریکا در نامه‌ای به کمیته نوبل صلح از آن کمیته خواستند تا دونالد ترامپ رئیس جمهور وقت آمریکا را نامزد دریافت جایزه بکند! در بهمن ماه سال گذشته منابع رسانه‌ای خبری هم به نقل از معاون وزیر امور خارجه آمریکا نوشتند که اگر نخست وزیر اسرائیل، رئیس جمهوری روسیه را به خروج نیروهای خود از اوکراین متقاعد کند، جایزه صلح نوبل به او داده خواهد شد. این وعده توسط رسانه‌های مذکور به نقل از ویکتور یانولاند، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در امور سیاست خارجی در جریان گفت‌وگو با مؤسسه کارنگی بازتاب داده شده است.

ایجاد ناآرامی در میان شهروندان شوروی، نسخه‌هایی از نسخه روسی رمان دکتر ژیاگو نوشته بوریس پاسترناک را که برنده جایزه نوبل هم شده بود، در زمان جنگ سرد چاپ کرده بود. در مقابل، کمیته نوبل از اعطای جایزه صلح نوبل به افرادی که ممکن است مستحق آن باشند خودداری کرده است. منتقدان به پرونده مهاتما گاندی، رهبر افسانه‌ای جنبش استقلال هند اشاره کرده‌اند. گیر لوندستاد، Geir Lun-destad مدیر سابق مؤسسه نوبل، در سال ۲۰۰۶ اعتراف کرد که این بزرگترین حذف در تاریخ جایزه بود.

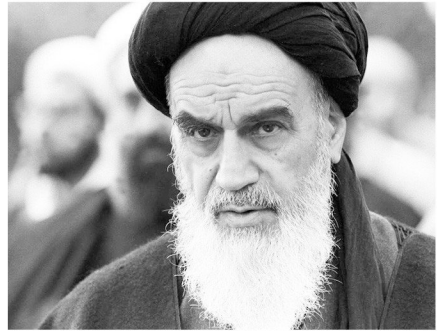
به گفته لوندستاد، گاندی پنج بار در فهرست نهایی قرار گرفت (دوبار قبل از جنگ جهانی دوم، سپس در سال‌های ۱۹۴۶، ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸)، اما دیدگاه اروپایی محور کمیته و شکست آن در حمایت از مبارزات آزادی بخش ملی در مستعمرات، مانع از دریافت این جایزه شد.

چین نیز در روز سه شنبه ۱۶ آذر ۱۳۸۹، پیش از مراسم بزرگداشت لیوشیانوبو، برنده صلح سال ۲۰۱۰، کمیته نوبل را تحقیر کرد و اعضای آن را "دلچک" خواند و گفت که اکثر جهان از یکن حمایت می‌کنند. جیانگ یو، سخنگوی وزارت امور خارجه به خبرنگاران گفت: «کسانی که در کمیته

## اندیشه سیاسی:

تقابل اسلام آمریکایی و اسلام ناب  
محمدی (ص) در اندیشه امام خمینی

ملیحه نیکروش



اسلام به مثابه دینی کامل و تکامل بخش است که یگانه راه‌هایی از پیچ و خم‌های زندگی دنیوی و آبادانی زندگی اخروی در گرو عملی کردن دستورات دین مبین اسلام و ایمان راسخ به آموزه‌های راستین آن در همه امور زندگی شخصی و اجتماعی می‌باشد. همواره دین اسلام در فراز و فرودهای تاریخی با دشمنانی همراه بوده است که سعی در انحراف و تحریف آن داشتند و با حربه‌های سیاسی، فرهنگی، اعتقادی و... سعی در رسوخ بین جامعه اسلامی و متزلزل کردن پایه‌های معرفتی و ایمانی مسلمانان داشتند. از این رودر گفتمان دینی می‌توان به دو نوع اسلام

اشاره کرد، اسلامی تحریف شده که پایه اسلام آمریکایی است و اسلام ناب محمدی که اساس اسلام راستین است. که در ادامه سعی در تبیین آن شده است.

به تعبیر محمد جواد باهنر دین اسلام مایه رشد، بیداری، تحرک و حیات است و خواهان اصلاح همه جانبه در فکر، اخلاق، تربیت، زندگی و اقتصاد مردم است. اسلام به تعالی و رشد همه جانبه مادی و معنوی انسان توجهی کامل دارد و روی آوردن به اسلام حقیقی، پیشرفت تکاملی مادی و معنوی به صورت توأمان را به همراه خواهد داشت. باین اوصاف، رعایت قواعد اسلامی در حکومت و نظام سیاسی عاملی در راستای تحقق سعادت پایدار و آبادانی توأمان دنیا و آخرت در اندیشه امام خمینی (ره) می‌باشد.

ایشان معتقدند اسلام ضمن تعالی زندگی انسان‌ها، نظام ساسی را در برابر دشمنان اسلام ایمن می‌نماید و در آن خصوص می‌فرمایند: «اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و قدرت آن دارد که قلم سرخ بر ستمگری‌ها و چپاولگری‌ها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسان‌ها را به کمال مطلوب خود برساند.

واجب است این امانت الهی را که در ایران به‌طور رسمی اعلام شده و در مدتی کوتاه نتایج عظیمی به‌بار آورده، با تمام توان حفظ نموده و در راه ایجاد مقتضیات بقای آن و رفع موانع و مشکلات آن کوشش نمایند. و امید است که پرتو نور آن بر تمام کشورهای اسلامی تأیید گرفته و تمام دولت‌ها و ملت‌ها با یکدیگر تفاهم در این امر حیاتی نمایند، و دست ابرقدرت‌های عالم‌خوار و جنایتکاران تاریخ را تا ابد از سر مظلومان و ستم‌دیدگان جهان کوتاه نمایند.»

جهان اسلام تحت تأثیر دو عامل از افکار و اندیشه‌های ناب اسلامی دور ماند: نخست استعمار و استثمار غرب در این منطقه مهم جغرافیایی و فکری، و دوم، استبداد و انحراف حاکمان مسلمان. این دو عامل، آسیب مهلکی بر پیکر جهان اسلام وارد آورد. شخصیت‌هایی همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی، سید قطب و حسن البنا، اقبال لاهوری، امام خمینی (ره) تلاش‌های بسیاری کردند تا مسلمانان را از غفلت بیدار سازند و به آنها بفهمانند که علت شکست و عقب‌افتادگی آنها چیست و چه باید کرد. امام خمینی (ره)، عواملی همچون استعمار، دور ماندن مسلمانان از اسلام راستین و وجود دولت‌های فاسد راز مینه-ساز عقب‌ماندگی معرفی کرده است.

و مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است؛ و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است. اینک که به توفیق و تأیید خداوند، جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایه‌ریزی شده، و آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است اسلام و احکام مترقی آن است، بر ملت عظیم الشان ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است، که انبیای عظام از آدم (علیه السلام) تا خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله و سلم) در راه آن کوشش و فداکاری جان‌فرا نموده‌اند و هیچ مانعی آنان را از این فریضه بزرگ باز نداشته؛ و همچنین پس از آنان اصحاب متعهد و ائمه اسلام (علیهم صلوات الله) با کوشش‌های توانفرساتا حد نثار خون خود در حفظ آن کوشیده‌اند. و امروز بر ملت ایران، خصوصاً، و بر جمیع مسلمانان، عموماً،

ایشان بر این باورند که دشمنی با اسلام از همان زمان ظهور آغاز گردید و تا زمان معاصر ادامه پیدا کرده است: «نهضت اسلام در آغاز گرفتار یهود شد؛ و تبلیغات ضد اسلامی و دسایس فکری رانخست آنها شروع کردند؛ و به طوری که ملاحظه می کنید دامنه آن تا به حال کشیده شده است. بعد از آنها نوبت به طوایفی رسید که به يك معنی شیطان تر از یهودند. اینها به صورت استعمارگزار از سیصد سال پیش، یا بیشتر به کشورهای اسلامی راه پیدا کردند؛ و برای رسیدن به مطامع استعماری خود لازم دیدند که زمینه‌هایی فراهم

سازند تا اسلام را نابود کنند. قصدشان این نبود که مردم راز اسلام دور کنند تا نصرانیت نضجی بگیرد؛ چون اینها نه به نصرانیت اعتقاد داشتند و نه به اسلام؛ لکن در طول این مدت، و در اثنای جنگ های صلیبی احساس کردند آنچه سدی در مقابل منافع مادی آنهاست و منافع مادی و قدرت سیاسی آنها را به، خطر می‌اندازد اسلام و احکام اسلام است و ایمانی که مردم به آن دارند. پس، به وسایل مختلف بر ضد اسلام تبلیغ و دسیسه کردند. مبلغینی که در حوزه‌های روحانیت درست کردند، و عمالی که در دانشگاه‌ها و



گذشته‌ی مسلمانان و دنیای اسلام وجود ندارد. بی‌تردید امام خمینی (ره) بزرگترین احیاگر دین اسلام پس از ائمه معصومین بود. ایشان هم در ابعاد معرفتی و هم در ابعاد عملی به احیای دین اسلام پرداخت. انقلاب اسلامی یقیناً الگوی موفق‌ی از تاریخ صدر اسلام، خصوصاً از حماسه حسینی بود. مسلمانان در پی وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ بیدار شده‌اند و بر پایه سه اصل مهم، کار بزرگ خویش را آغاز کرده‌اند:

اول، بازگشت به اسلام ناب که در صدر اسلام توانست بر قدرت‌های بزرگ آن زمان غلبه یابد؛

دوم، وحدت جهان اسلام است که امپریالیسم و استعمار، سالیان دراز کوشید با تکیه بر اصولی همچون «تفرقه بینداز و حکومت کن»، میان فرقه‌های مختلف اسلامی فاصله بیشتری بیندازد؛ سوم، استکبارستیزی و مقابله با کفر، الحاد، طاغوت و طاغوتیان زمان است. این به پیروزی اسلام و شکست استکبار ختم‌شد. از دیدگاه حضرت امام (ره)، رژیم پهلوی همانند دولت‌های اموی و عباسی در ظاهر اسلام را قبول داشتند، اما مانع تحقق اسلام حقیقی بودند. بنابراین، دشمنان اسلام در طول تاریخ برای نابودی دین و

مؤسسات تبلیغات دولتی یا بنگاه‌های انتشاراتی داشتند، و مستشرقینی که در خدمت دولتهای استعمارگر هستند، همه دست به دست هم داده در تحریف حقایق اسلام کار کردند. به طوری که بسیاری از مردم و افراد تحصیلکرده نسبت به اسلام گمراه و دچار اشتباه شده‌اند.»

راه حل خروج از عقبماندگی و بازیابی مجدد عظمت و شکوه تمدن اسلامی، بیداری اسلامی و بازگشت مجدد به اسلام اصیل و ناب است. بیداری اسلامی به مفهوم ظهور اسلام ناب و پاک در انسان و جامعه است. براین اساس، حیات برین از دین به‌دست می‌آید و تنها از دین، قابل دریافت است؛ زیرا خداوند به انسان و جهان حیات بخشیده است و پیامبرش ما را به آنچه زنده می‌کند، فرا می‌خواند. بنابراین، بیداری اسلامی، به مفهوم زنده شدن دوباره در پرتو اسلام اصیل است. به بیان دیگر، در معنای تجدید حیات اسلام به کار می‌رود که در پناه آن، استقلال، عدالت و همه آموزه‌ها و ارزش‌های متعالی، بار دیگر زنده می‌شود یا حیات می‌یابد. در همین راستا، خیلی از متفکران اسلامی بر این موضوع تاکید دارند که در حال حاضر برای خروج مسلمانان از جمود و سکون، و دمیدن روح تازه‌ی معنوی به آنان راهی بهتر از توجه به تاریخ



دینداری تلاشهای فراوانی کرده‌اند و کیدها و حيله‌های فراوانی برای برچیدن بساط اسلامی به‌کار برده‌اند و با پیشرفت زمان، روش و شیوه‌های مبارزه با اسلام و تعلیمات ناب آن را نیز عوض کردند و در نهایت، از خود اسلام علیه آن و پیروان آن استفاده کردند و ترفندهای گوناگونی برای حاشیه‌نشینی اسلام اصیل از متن حیات مسلمانان به‌کار بردند و از درون و بیرون جامعه‌ی اسلامی شکل‌ها و قالب‌های گوناگونی به نام اسلام طراحی و ترویج کردند که بر اثر آن، کم‌کم اسلامی در صحنه‌ی حیات مسلمانان به وجود آمد و جای واقعی اسلام اصیل را گرفت که به صورت جمود، تحجر، مقدس‌گرایی، عزلت‌نشینی، تفکیک دین از سیاست و... بروز پیدا کرد. این نوع اسلام با اسلام اصیل که سرشار از تحرک، فعالیت، استعمار و استکبار ستیزی، عینیت دین و سیاست و... است، به طور کلی در تعارض است. به همین دلیل، ترویج چنین اسلامی در جامعه‌ی مسلمانان باعث مشکلات عدیده‌ای گشت. امام خمینی (ره) بیان می‌دارند: «ما یک اسلام نداریم؛ بلکه اسلام‌های متفاوتی داریم و همه‌ی این اسلام‌ها از اعتبار برخوردار نیستند؛ یکی در خدمت قدرت-های استعماری، تحجر، پولدارها، جهان

جهان سرمایه‌داری، پرخورها و یکی در جهت حمایت از توده‌های میلیونی، مستضعفین، شلاق‌خوردگان زمین، کسانی که بر آنها غضب شده، کسانی که زیر سلطه استعمار می‌باشند.» از همین رو، حضرت امام (ره) در دو سال آخر عمر شریف خویش، در کنار معرفی ابعاد مختلف اسلام، اهمیت توجه به کج‌فکرها و جمود و قشریگری‌ها و معرفی ناقص اسلام و التقاط‌ها و انحراف‌ها را گوشزد می‌کنند و در کنار مبارزه با طاغوت، استبداد، استعمار و استکبار جهانی، مبارزه با خرافه و تحجرگرایی و مقدس‌مآبی و التقاط و انحراف را نیز وجهه‌ی همت خویش قرار می‌دهد و در مکتوبات، سخنان و پیام‌های خویش پیوسته مخاطبان‌ش را متوجه این مسأله می‌سازد و به طور جدی بر جدایی اسلام حقیقی از اسلام‌های انحرافی و تحریف‌شده اصرار و تأکید داشتند. ایشان در معرفی اسلام حقیقی، اصطلاح «اسلام ناب محمدی» و در معرفی اسلام‌های انحرافی، اصطلاح «اسلام آمریکایی» را به کار بردند. ایشان در پیامی به مناسبت اربعین شهادت علامه عارف حسین حسینی، رهبر شیعیان پاکستان می‌فرمایند: «امروز استکبار شرق و غرب چون از رویارویی مستقیم با جهان اسلام



با این وجود «باید تلاش کنیم زهد و قدس اسلام ناب را از زنگارهای تقدس مآبی و تحجرگرایی اسلام آمریکایی جدا کرده و به مردم مستضعفان نشان دهیم.» در همین راستا، «باید اسلام را آن طوری که هست، نه آنطوری که حالا در دست مثلاً چهارتافرض کنید مقدس مآب و فقط کتاب مفاتیح هست. اینها باید آنطوری که هست احکام را معرفی کنند.» از دیدگاه حضرت امام (ره)، اگر در راه معرفی و عرضه

اسلام اصیل موفق بشویم، در نتیجه خواستاران آن در جهان فراوان و برپیروان اسلام افزوده میشود: «اسلام را عرضه بدارید و در عرضه ی آن به مردم، نظیر عاشورا به وجود بیاورید... اگر

اسلام را معرفی نمائید و جهان بینی (یعنی عقاید) و اصول و احکام و نظام اجتماعی را به مردم بشناسانید، با اشتیاق کامل از آن استقبال می کنند. خدایمندان که خواستاران آن بسیارند.» اولین گام در راه شناخت اسلام اصیل و مبارزه با اسلام انحرافی و یا به تعبیر حضرت امام، اسلام آمریکایی، مشخص نمودن مرز میان این دو و برجسته نمودن ویژگیهای آنها است: «راه مبارزه با اسلام آمریکایی از پیچیدگی خاصی برخوردار است که تمامی زوایای آن

عاجز مانده است، راه ترور و از میان بردن شخصیت های دینی و سیاسی را از یک طرف و نفوذ و گسترش فرهنگ اسلام آمریکایی را از طرف دیگر به آزمایش گذاشته اند. ایکاش همه ی تجاوزات جهان-خواران همانند تجاوز شوروی به کشور مسلمان و قهرمانپروز افغانستان علنی و رو در رو بود تا مسلمانان ابهت و اقتدار دروغین غاصبین را درهم می شکستند؛ ولی راه مبارزه با اسلام آمریکایی از پیچیدگی

خاصی برخوردار است که تمامی زوایای آن باید برای مسلمانان پابرهنه روشن گردد که متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملت های اسلامی مرز بین اسلام آمریکایی و اسلام ناب

محمدی و اسلام پابرهنگان و محرومان و اسلام مقدس نماهای متحجر و سرمایه-داران خدانشناس و مرفهین بیدرد کاملاً مشخص نشده است و روشن ساختن این حقیقت که ممکن نیست در یک مکتب و در یک آیین، دو تفکر متضاد و رو در رو وجود داشته باشد، از واجبات سیاسی بسیار مهمی است...» از دیدگاه حضرت امام (ره)، وظیفه کنونی مسلمانان معرفی اسلام اصیل و حقیقی و یا به عبارتی اسلام ناب، و تفکیک آن از اسلام های دیگر است.



نماهنگ  
اسلامی که با آن مخالفیم

تاکید نموده‌اند. در عین حال، رشد جامعه را در گرو بازگشت به اسلام راستین و حقیقی می‌دانند و به میزان تحصیل به اسلام، موفقیت‌های بیشتری برای جامعه به‌ارمغان خواهد آمد.

امام خمینی (ره) دو گونه اسلام را مطرح می‌کنند که بایکدیگر تضاد گفتمانی و افتراق در مبانی و مبادی فرانظری دارند. طرح این دو گونه اسلام در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) خود را به صورت اسلام ناب

محمدی (ص) و اسلام آمریکایی نشان می‌دهد. ایشان اعتقاد دارند که دشمنان اسلام برای نابودی و مهار قدرت و نفوذ این دین الهی، سعی در انحراف آن دارند و به همین منظور، ایده

اسام‌سازش‌کار و آمریکایی‌راسازماندهی کردند و از این طریق سعی در استحاله و دگرگونی اسلام راستین داشتند و در این مسیر، توانستند حامیان و بازوهای اجرایی خاص خویش را بیابند و از طریق عوامل خارجی و نفوذی‌های درونی برای گسترش این انحراف در دین اسلام کوشیدند. امام خمینی (ره) اسلام ناب محمدی (ص) را همان اسلامی حقیقی و اصیل می‌دانند که در آن هیچ گونه نقص و کاستی وجود ندارد و بعد از پیامبر گرامی اسلام، بدون

باید برای مسلمانان پابرهنه روشن گردد که متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملت‌های اسلامی مرز بین اسلام آمریکایی و اسلام ناب محمدی و اسلام پابرهنگان و محرومان و اسلام مقدس نماهای متحجر و سرمایه‌داران خدانشناس و مرفعین بیدرد کاملاً مشخص نشده است و روشن ساختن این حقیقت که ممکن نیست در یک مکتب و در یک آیین دو تفکر متضاد و رو در رو وجود داشته باشد، از واجبات

سیاسی بسیار مهم است.»  
مداقه و بررسی اندیشه‌های امام خمینی (ره) نشان می‌دهد که ایشان اهمیت زیادی برای اسلام به عنوان معیار و ملاک زندگی انسان‌ها و حتی



شیوه زیست سیاسی حکومت‌ها قائل هستند و همواره بر دین‌مبین اسلام به عنوان یگانه راه حقیقی تعالی، رشد و رستگاری مادی و معنوی یاد می‌کنند و بر همین اساس، مبانی جامعه و حکومت در اندیشه و بیانات ایشان، آموزه‌های اسلامی است. در عین حال، بی توجهی به اسلام در بدنه نظام سیاسی و در میان آحاد جامعه عاملی برای عقب ماندگی و شکست‌های مادی و معنوی می‌باشد که امام (ره) بارها بر این موضوع

انسان در برابر سرنوشت خویش، مخالف خشونت و کاربرد فیزیکی قدرت در مراودات سیاسی و طرفداری از صبح و روابط مسالمت آمیز، راهبری جامعه و هدایت امت اسلامی در مسیر تحقق آرمان‌ها و اهداف متعالی، ارتباط دین و سیاست و غیره. در نقطه مقابل این اسلام رحمانی و محمدی (ص)، نوعی از اسلام انحرافی وجود دارد که در ادبیات امام خمینی (ره) از آن به عنوان «اسلام آمریکایی» یاد می‌شود. این اسلام که مورد نظر دشمنان حقیقی اسلام است، از آموزه‌های راسخ اسلامی منحرف شده است و در مبانی و اصول رفتاری آن دگرگونی‌های زیادی اتفاق افتاده است و بر اساس بینش و اندیشه حضرت امام (ره) می‌توان آن را دینی بی محتوا و یاری‌گر قدرت‌های استکباری معرفی نمود که به دلیل حمایت قدرت‌های غربی و ماتریالیستی، عناصر ایستادگی، مقاومت و مقابله باز یاده خواهی‌های نظام سلطه وجود ندارد و بیشتر متناسب با اهداف جریان سرمایه داری و گروه‌های ظالم در عالم بشریت است که عموماً منافع آنها در تضاد با مستضعفین و جامعه مظلوم جهانی قرار دارد. مهمترین ویژگی این اسلام در اندیشه امام خمینی (ره)، جدایی دین از سیاست

هیچ انحرافی به امام معصوم منتقل گردیده است و بشر از آن بهره‌های زیادی می‌برد و صرفاً به ظواهر و پوسته دین توجه ندارد بلکه محتوا و هسته آن، غنی و متناسب با نیازهای زمان است. این اسلام، علیه ظلم و ستم طاغوتیان می‌شورد و حامی نیکی‌ها و امور خیر در جامعه و حکومت است.

اسلام ناب در اندیشه امام خمینی (ره) دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که برخی از آنها عبارتند از: مهرورزی و عشق به الله، جامعیت و کامل بودن دین مبین اسلام، حامی ساده زیستی و روی گرداننده از تجمل و مادی‌گرایان، یار و همراه مستضعفان و ستم‌دیدگان در سراسر جهان، صلابت در برابر استکبار و جریان سلطه جهانی، عدم سازش در برابر معاندان نظام اسلامی و استواری در برابر ظلم، برپاکننده عدل و برابری در جامعه و مخالف بی‌عدالتی در امور مختلف جامعه، حامی آزادی و رهایی انسان‌ها در ابعاد مختلف (آزادی قلم و بیان، آزادی احزاب، آزادی مذاهب، آزادی تعیین سرنوشت و حق رای، آزادی زنان در کنش‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... در چارچوب مقررات اسلامی و حدود شرعی، آزادی اقلیت‌ها و... و اعتقاد به مسئولیت

تاریخ سیاسی:

## نهضت میرزا کوچک خان؛ مینیاتوری از جمهوری اسلامی

بازخوانی تطبیقی ابعاد تشکیلاتی نهضت جنگل  
یادداشتی از حسن مقدمی شهیدانی



بازخوانی وارونه وقایع تاریخ معاصر، آنقدر فراگیر و پردامنه است که از یک نهضت اصیل و مردمی. مانند نهضت جنگل، نهضتی بدلی و احياناً چپگرایانه معرفی می کند و تشکیلاتی منسجم و پیچیده را در حدیک حرکت چریکی کوچک و کور نشان می دهد. حقانیت و مظلومیت روحانی فاضل و مجاهد گیلانی، میرزا کوچک خان جنگلی، موجب شد که سیمای حقیقی

است که همین موضوع، ماهیت آن را پوچ و تهی ساخته است و این موضوع، به شدت از سوی جریانات و گروه های مخالف اسلام مورد حمایت قرار می گیرد زیرا اسلام سیاسی، مخالف سرسخت رابطه یکطرفه ظالم/مظلوم و یا استکبار/مستضعف است. به همین دلیل، یکی از مهمترین دلایل شکل گیری این اسلام جعلی، دور ساختن جامعه اسلامی از کنش سیاسی و پرهیز از مداخله دیانت در عرصه سیاست می باشد. اسلام آمریکایی را می توان با برخی از ویژگی ها و مولفه ها مورد بازشناسی قرار داد که برخی از آنها عبارتند از؛ تاکید بر جدایی دین از سیاست (اسلام منهای سیاست)، سازش با قدرت های استکباری و ظلم پذیری، تجملاتی و تشریفاتی بودن دین، اعتقاد به آزادی های بی قید و بند (تاکید بر آزادی بدون توجه به موازین شرعی)، گام نهادن در مسیر قدرت های غربی نظیر آمریکا و انگلیس، منطق بودن با سیاست های نظام سرمایه داری و...

کوچک و در جغرافیائی محدود فرصت عینیت یافته، اما از سنخ همان است که بعد از انقلاب ۱۳۵۷ در سراسر ایران اسلامی محقق شد و لذا این مکتب و مینیاتور از «جمهوری اسلامی» را باید پیشینه ای تجربه شده و عینیت یافته از نظام مقدس جمهوری اسلامی برشمرد. در نوشتار حاضر به بازخوانی ابعاد تشکیلاتی نهضت جنگل به عنوان پیشینه عینیت یافته کوچکی از نظام جمهوری اسلامی، خواهیم پرداخت.

جمعیت اتحاد اسلام؛ تشکیلات فقهی و فکری در رأس نهضت جنگل: یکی از اشکالات و غلتهای - تعمدی یا جاهلانه - در برخی پژوهش های مرتبط با تشکیلات نهضت جنگل، عدم لحاظ قرار دادن نقش جمعیت اتحاد اسلام به عنوان کادر رهبری فکری و فقهی نهضت جنگل است.

جمعیت اتحاد اسلام، متشکل از چند فقیه و مجتهد مشهور گیلانی - از جمله حضرات آیات سید عبدالوهاب صالح، میرزا محمدرضا حکیمی، شیخ علی علم الهدی فومنی، سید محمود روحانی، شیخ بهاء الدین املشی و... - به عنوان کانون سیاست گذاری نهضت جنگل مطرح است و از این حیث، میرزا و نهضت جنگل را باید به عنوان بازوی اجرائی و عملیاتی این

میرزا و نهضت اسلامی و اصیلش، از پس پیرایه های کتاب ها و مقالات پرشمار مغرضین و منحرفین به درآید و نسل نواز مبارزان مسلمان را با بن مایه واقعی اندیشه مبارزاتی میرزا از یک سو و با ابعاد پیچیده نهضت جنگل، از دیگر سو، آشنا سازد. نقطه عطف تمام تعاریف و تفاسیر از نهضت میرزا کوچک خان را باید فرمایش مقام معظم رهبری بدانیم که حرکت میرزا را به عنوان «مینیاتوری از جمهوری اسلامی» معرفی می کنند. در همین تعبیر رسا حداقل به سه اصل کلی اشاره رفته است که در تحلیل نهضت جنگل مسیرهای تازه ای را خواهد گشود؛ نخست جنبه اسلامیت و جمهوریت نهضت که در کنار هم دیده شده است و نشان از اصالت آن از یک سو، و نشان از مردمی بودنش از دیگر سو دارد. اصل دوم ناظر به نگاه همه جانبه به نهضت است که نشان می دهد نهضت جنگل را باید به مثابه یک تشکیلات فکری، سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار داد و نه صرفاً حرکتی نظامی! اصل سوم پیوند میان نهضت میرزا (ره) با نهضت امام خمینی (ره) است که در عینیت بخشیدن به مفهوم «جمهوری اسلامی»، نقطه اشتراک دارند. و از این حیث، نهضت میرزا اگرچه در مقیاسی

اصیل، تا آخر بر همین مرام باقی می ماند. از این روی می توان این نهضت را «نهضتی از مردم و برای مردم» نامید. اعتماد به مردم در پیشبرد آرمان های انقلابی وجه مشترک نهضت میرزا و نهضت امام خمینی است. اگر امام در آغازین روزهای نهضت، ظرفیت مردمی نهضت را به رخ رژیم می کشد و روحانیت را با واقعیت هایی از عمق راهبردی این نهاد در میان مردم آشنا می سازد، دقیقاً بر اساس همین اعتماد است. این در حالی است که امام خمینی (ره) اساساً تکیه و توجه اساسی به نقش آفرینی احزاب و نخبگان سیاسی ندارد و حتی در وقتی که نخست وزیری بازرگان را - به اصرار دوستان می پذیرد - در متن انتصاب، ضرورت عدم وابستگی حزبی بازرگان در اداره امور را تذکر می دهد همانگونه در آستانه ورود به کشور نیز مهندس صباغیان - یکی از اعضای اصلی نهضت آزادی - را از ماشین پیاده می کند. این مسئله وقتی اهمیت می یابد که تذکر امام به برخی از سران روحانی نهضت، در مورد پرهیز از حزب گرایی را مورد نظر قرار دهیم. تشکیلات اقتصادی و خدمات اجتماعی نهضت میرزا؛ خدمت به توده های مردم یکی از اصول اساسی نهضت میرزا است که به مانند شعارهای

تشکیلات بر شماریم. با این وجود چگونه می توان اتهام تبعیت از اندیشه های وارداتی را به این نهضت اصیل وارد دانست؟! اتکای نهضت میرزا بر بنیان های فقهاتی یکی از وجوه ممتاز این نهضت است. گرچه میرزا خود تا سطوح عالیّه حوزوی تحصیل کرده، اما همچنان با پرهیز از خودکفائی های روشنفکرانه معمول در میان برخی از رهبران اجتماعی - سیاسی، اندیشه فقهاتی - مبارزاتی اش را از مجتهدین طراز اول حاضر در جمعیت مذکور وام می گیرد. پیوند زدن دو مسئله اجتهاد و جهاد، مهم ترین وجه ماندگاری و اصالت نهضت میرزا است. عاملی که در نهضت امام خمینی (ره) نیز نقش محوری دارد. نهضتی از مردم و برای مردم؛ صلاهی استتلاح خواهی نهضت میرزا، صدای مظلومیت و محرومیت مردمی است که در تمام سال های بعد از نهضت مشروطیت، گرد محرومیت و مظلومیت از چهره زندگی شان پاک نشده و این است که با شنیدن یک صدای آشنا، به دعوت میرزا لبیک می گویند و پایه های نهضت جنگل به دست توده های مردم مسلمان پایه ریزی می شود. این است که قبای خدمت به توده های محروم از نخستین روزها بر قامت جنگلیان دوخته می شود و جنگلیان

موضوع هم نهضت را از اتهام وجود اندیشه های اقتصادی چپ مبرامی سازد - که در این صورت نباید سرمایه داران با آن همراه شوند - و هم اتهام ظالمانه یاغی گری را بی اثر می سازد. اتهامی که رژیم شاه و نیروهای ساواک پس از نیم قرن - و پس از قیام پانزده خرداد - تلاش کردند در مورد نهضت امام تکرار کنند؛ آنان گاهی طرفداران امام و حماسه سازان پانزده خرداد را افرادی اغتشاش گر و اوباش لقب دادند و وقتی

برخی از جوانمردان مانند طیب حاضر نشدند این اتهام دروغین به امام را تکرار کنند به شهادت رسیدند و گاهی مسئله وابستگی مالی این حرکت به جمال عبدالناصر را مطرح

ساختند. تا یک قیام اصیل اسلامی و مردمی را حرکتی خرابکارانه، ضد مردمی، و وابسته به بیگانه جلوه دهند! خدمات اجتماعی نهضت جنگل بسیار فراوان و فراگیر است که نشان از روحیه مردمی راهبران نهضت و نیز قوت بنیه مالی آنان دارد. در ذیل برخی از این خدمات از نظر می گذرد: ۱- راه اندازی حشمت رود و آبادانی شرق گیلان؛ یکی از اقدامات مهم نهضت جنگل، انشعاب بخشی از رودخانه سفیدرود بود که پیش از ریختن آن به

جذاب طرفداران انجمن ها و احزاب بعد از مشروطه، فقط زینت اساسنامه ها و آیین نامه ها و مرامنامه های نهضت نیست بلکه در تمام ابعاد و به معنای واقعی کلمه، عینیت یافته است. بررسی ابعاد اقتصادی و اجتماعی نهضت جنگل مسلماً در این مختصر نمی گنجد اما در این مجال، مسائل محوری در این باب را از نظر می گذرانیم. گفت و گو در باب مسائل اقتصادی و اجتماعی نهضت جنگل در دو

محور اساسی قابل پیگیری است. یکی خدمات مردم در قبال نهضت و دیگر خدمات جنگلیان به مردم. نهضت میرزا در جهت تأمین منابع مالی خود، نهضتی نمونه و کاملاً



مردمی است. آنها در عصری که هر روز خبری از وابستگی مالی برخی سیاسیون و هسته های تشکیلاتی به کشورهای بیگانه به گوش می رسید، تلاش نمودند با استمداد از ظرفیت های بومی و مردمی، هم شائبه وابستگی به غرب و شرق را منتفی سازند و هم عمق راهبردی نهضت در میان توده های مردمی را به نمایش گذارند. اتفاقی که عیناً در نهضت امام خمینی (ره) نیز - در حجمی گسترده تر - تکرار می شود. واکاوی اسناد مرتبط با این

دریای خزر، به مناطق وسیعی از شرق گیلان از جمله آب‌لاهیجان، می‌رساند و موجب رونق کشاورزی و آبادانی بخش وسیعی از آن مناطق شد. این رود به دست یکی از سران نهضت به نام دکتر حشمت ایجاد شد و در حال حاضر به نام «حشمت رود» معروف است.

۲- جنبش مدرسه‌سازی در غرب گیلان؛ در برهوت بی‌سواد و فقر فرهنگی، و در هنگامی که به دلیل عدم برخورداری از تمکن مالی، بسیاری از مردم در مناطق محروم گیلان از نعمت سواد بی‌بهره می‌ماندند، یکی از خدمات و اقدامات مهم نهضت جنگل - با وجود مضیقه‌های مالی شدید نهضت و فضای پرفراز و نشیب مبارزه - ایجاد مدارس عمومی در برخی از مناطق غرب گیلان بود. که از جمله آن، می‌توان به ساخت چند دبستان شش‌کلاسه در شفت و صومعه سرا و ماسوله و فومن و نیز یک دبستان شبانه روزی در کسما، اشاره کرد. برخی از این مدارس در حاضر با تغییر نام و احتمالاً بدون اطلاع مجموعه‌های فرهنگی از پیشینه تاریخی شان، در حال خدمت‌رسانی‌اند.

۳- راه‌اندازی مرکز بهداشت عمومی؛ تأسیس مرکزی به نام «صحیه جنگل» یکی دیگر از اقدامات میرزا در جهت رفاه

عمومی است. این مرکز که نامش از عبارتی عربی به معنای مرکز درمانی و سلامت، وام گرفته شده، شامل بیمارستانهائی بود که با همت و محوریت پزشکان ماهری مانند دکتر ابراهیم حشمت، دکتر سید عبدالکریم کاشی و دکتر ابوالقاسم فریدراه اندازی و اداره می‌شد و در ایام بروز انواع بیماری‌های مسری و کشنده و در زمانه قحطی امکانات پزشکی به داد مردم گیلان می‌رسید.

۴- رساندن آذوقه به تهران در ماجرای قحطی بزرگ؛ در جریان قحطی ناشی از استفاده انحصاری انگلیسی‌ها از ارزاق مردم برای نیروهای نظامی خود که منجر به کشته شدن میلیون‌ها نفر در ایران از شدت گرسنگی شده است، تنها جمعیتی که توانست در آن بحران ملی به حمایت از مردم تهران برخیزد نهضت جنگل بود. آنها با رساندن مقدار زیادی ارزاق عمومی به تهران، موجب نجات جان بسیاری از مردم رنج‌دیده تهران گردیدند و وفاداری ملی و وطنی خود را برای همیشه به اثبات رساندند. این در حالی‌افتاد که دولت مرکزی از هرگونه حمایت از مردم ناتوان بود و تقریباً مردم را با قحطی رها کرده بود. نکته مهم آنکه اقداماتی از این دست را می‌توان دقیقاً در تنافی با برخی از شبهات بی



ایام اقامت اجباری در منزلی در تهران قرار داشتند و در محظورات شدید بودند وقتی از اوضاع سرمای شدید که جان مردم فقیر را تهدید می کرد مطلع شدند در ۲ بهمن ۱۳۴۲ نامه ای به فرزندانشان آقا سید مصطفی نوشتند و به لزوم کمک سریع و کافی به سرمازدگان تاکید کرده و افزودند: «اگر خدای نخواستہ کسی در این سرما تلف شود، همه مسئول هستیم و از انتقام خدای تعالی می ترسم... مقداری وجه فرستاده شد. این مبلغ که شصت هزار تومان است با وجوهی که اهالی محترم می دهند در تحت نظر معتمدین محل، هر طور صلاح است، تقسیم شود؛ چه خاکه زغال و چه آذوقه و لباس.» ایشان در موارد دیگر به موضوع مضیقه و مرگ ناشی از سرمازدگی مردم فقیر شهرهای مختلف از جمله همدان و... اشاره کرده و از ناتوانی دولت و حکومت در رسیدگی به محرومین ابراز ناراحتی شدید کرده، از خیرین و افراد متمکن برای کمک به مستمندان دعوت کرده اند. فرمان تشکیل جهاد سازندگی و ایجاد کمیته امداد، به منظور رفع محرومیت های مالی و عمرانی و تشکیل نهضت سوادآموزی برای ریشه کن کردن بی سوادی و ایجاد اقدامات اساسی در جهت واکسیناسیون عمومی برای ریشه

پایه پیرامون میرزا - از جمله شبهه تجزیه طلبی نهضت جنگل - برشمرد چه اینکه یک جمعیت مقتدر اگر قصد تجزیه بخشی از خاک سرزمینی را داشته باشد، بهترین فرصت را در بحران های اجتماعی می یابد و قاعدتاً نباید به رفع بحران کمک نمایند.



نهضت امام خمینی (ره) در تمام جنبه های پیش گفته، اشتراکات زیادی با نهضت میرزا دارد. حمایت حضرت امام (ره) از مردم فقیر و سرمازده و رساندن لباس، و سوخت و آذوقه به آنها در زمستان سال ۱۳۴۲ یکی از این نوع اقدامات در آغاز نهضت است. امام خمینی در دورانی که در



کن کردن بیماری‌هایی مانند فلج اطفال و... از جمله اقدامات پس از پیروزی است. تشکیلات نظامی نهضت میرزا؛ گرچه جنبه نظامی در نهضت میرزا اصلی‌ترین شاخصه نیست ولی یکی از وجوه پررنگ نهضت محسوب می‌شود و از این حیث انسجام تشکیلاتی مطلوبی دارد. ایجاد مدرسه نظام در گوراب زرمیخ، یکی از شاخص‌ترین جنبه‌های تشکیلات نظامی نهضت است. مدرسه‌ای که بابه‌کارگیری افرادی خبره به تربیت جنگلی‌هایی پرداخت. در این مدرسه از افسران خارجی هم‌گرا از کشورهای لهستان، آلمان، روسیه و... نیز استفاده می‌شد که به آموزش تاکتیک‌ها و فنون نظامی و آشنائی افراد با سلاح‌های مختلف را به عهده داشتند. ریاست مدرسه دانشگاه افسری یا مدرسه نظامی گوراب زرمیخ، بر عهده مائور فن پاشن افسر آلمانی بود که لیوتنان اتریشی و چند افسر دیگر در آن به آموزش نیروهای جنگل مشغول بودند. جنگلی‌ها همچنین در لاهیجان نیز نیرویی را بانام «نظام ملی» ایجاد کرده بودند. ایجاد اردوگاه‌های نظامی در دل جنگل، در امتداد تشکیلات نظامی انجام می‌گرفت و کار مواجهه با نهضت میرزا را بادشواری همراه می‌کرد و از همین حیث، این نهضت یکی از طولانی‌ترین

نهضت‌های مردمی در ایران معاصر نام گرفته که حدود ۷ سال به طول انجامید. برخی از این اردوگاه‌ها هنوز موجود است. تولید و تعمیر انواع سلاح‌های دیگر از اقدامات تشکیلات نظامی بود. افرادی مانند یان کولارژ که مهندس و اهل چک بود نیز از کسانی است که در نهضت جنگل حضور داشت و به ساخت و پیا تعمیر سلاح‌های خراب می‌پرداخت و نهضت کارگاه بزرگی را برای فعالیت‌های ایجاد کرده بودند. این مسئله در عین حال که نهضت را از هر جهت خودکفای کرد، برگرفته از نوع نگاه رهبران نهضت در جهت استفاده از ظرفیت‌های درون‌زا بود و از این حیث، به پیشرو بودن جنگلیان در میان نهضت‌های معاصر، باید اذعان کرد. نهضت جنگل و استفاده از رسانه‌های مکتوب: نهضت جنگل علی‌رغم توجه به اقشار محروم و روستائیان و به کارگیری آنان در بدنه نهضت، به ابزارهای روزآمد تمدنی مجهز بود و از این حیث حرف و شعار و عقیده خود را با آحاد مردم، دشمنان و مخالفانش در میان می‌گذاشت. ایجاد مطبوعه یا چاپخانه جنگل در صومعه سرابه منظور نشر منشورات نهضت (اعم از اعلامیه، خبرنامه، جزوه، کتاب و...) یکی از اقدامات مهم جنگلی‌هاست.

مذاکرات سیاسی و تبادل نظر در عرصه دیپلماسی است. شخص میرزابه همراه برخی از یاران نزدیکش محوری ترین نقش را در این حوزه ایفا کرده اند. آنها از یک سو دیدارهای زیادی با نمایندگان و کارگزاران دولت مرکزی داشته اند و از دیگر سو جلسات مهم و متعددی با سران برخی از کشورهای استعمارگر از جمله انگلیس و روسیه (روسیه تزاری و بعدتر هم روسیه شوروی یا بلشویک) داشته اند. بررسی مستندات این دیدارها و نتایج آن، نقش مهمی در بازشناسی اندیشه مبارزاتی نهضت میرزا دارد. گرچه تاریخ سازی های وابسته به استعمار و استبداد بر حقائق مربوط به این حوزه تا حدود زیادی سایه انداخته، اما هنوز هم همه نشانه های حقیقت محو نشده اند و به اندازه کافی سند و استدلال در تبیین واقعیت های مربوطه وجود دارد. ماحصل دیدارهای میرزا با دولتی ها و گفتمان رایج او بر مدار برادری و اخوت با ایرانی جماعت، تلاش برای بازگشت مشروطه حقیقی و مقابله با اجنبی ها، همه در جهت حفظ منافع ملی خلاصه می شود. کسی که با اسناد مربوط به نهضت میرزا کمترین آشنائی را داشته باشد، هرگز حتی احتمال

انتشار روزنامه جنگل اقدام مهم دیگری است که نام و مرام میرزا و یارانش را در تاریخ ثبت کرده است. این روزنامه مدت ها به صورت مستمر در کسما انتشار می یافت و به دلیل محبوبیتی که یافته بود، در سراسر گیلان و در بسیاری از شهرهای ایران مخاطبان پیگیری داشت و نسخه های آن دست به دست در میان مردم می گشت. بسیاری از توطئه های رسانه ای و تهمت های ناروا به جنگلیان توسط مقالات

مندرج در این روزنامه خنثی می شد. اگر چه مخالفان نهضت، با ناجوانمردی به هر وسیله ای در جهت بدنامی میرزا اقدام بر می داشتند که نگارش کتابچه «تاریخچه جنگلیان» در سال



نماهنگ  
نماد شجاعت ایرانیان

۱۳۳۷ق یعنی در اثنای نهضت به سفارش کریم خان رشتی از خائنین وابسته به انگلیس که در فروپاشی نهضت جنگل و شکل گیری سلسله پهلوی نقش مستقیم و مهمی داشت. این کتاب یا فحشنامه توسط یکی از خادمین کریم خان به نام شیخ محمد باقر شریعت گیلانی نوشته شد و در تهران منتشر گردید تا نهضت جنگل را بدنام کند. سیاست خارجی و دیپلماسی جنگلیان یکی از وجوه اثرگذار در یک نهضت آزادی خواه در تراز ملی،

های پیچیده در صدد نابودی نهضت برآیند. همدستی روسها و انگلیسی ها و همراهی منحرفین و وابستگان داخلی با آنها، در نهایت به شهادت مظلومانه میرزا و ترور تاریخی-شخصیتی او منجر می شود. جالب آنکه بدائیم اصلی ترین راهبر در نابودی نهضت جنگل، پدیده نفوذ است! برای زمینه سازی نفوذ ابتدا برخی از انقلابی نماها مانند احسان الله خان، خود را به رهبر نهضت نزدیک کرد و با اتخاذ مواضع افراطی و اختلاف افکن، شکاف شدیدی در بدنه نهضت ایجاد کرد. داستان نفوذ آنقدر اهمیت می یابد که نیروهای نشان دار سیاسی و جاسوس های رسمی وابسته به استعمار انگلیس-کسانی مانند میرزا کریم خان رشتی، عبدالحسین خان سردار محیی و...- طمع حضور در نهضت میکنند و گرچه با مقاومت میرزا روبرو می شوند ولی در نهایت خود را به قافله می رسانند تا از نزدیک در فروپاشی یکی از مهم ترین نهضت های ضد استعماری و ضد استبدادی ایران سهیم باشند. تطمیع، تهدید، ترس، تردید، خام اندیشی و خیانت برخی از یاران نهضت (در سالهای پیشین سوابق مثبت فراوانی در انقلاب جنگل

اندیشه تجزیه طلبی در نهضت را هم به ذهن نمی آورد؛ چه اینکه بعد از نفوذ منحرفان به صفوف جنگلی های معتقد، میرزا که با توطئه استعمار خود را در برابر سرباز ایرانی دید، به جای دست بردن به اسلحه و برادرکشی، پناه برد به دل جنگل به نشانه اینکه راه گم نشود. مذاکرات میرزا با سران انقلاب بلشویکی روسیه و نتیجه قرارداد مکتوب با آنها به این اتهام کهنه انگلیسی پاسخ می دهد و روشن می سازد که میرزا پس از ورود خود سرانه بلشویک ها به انزلی و به منظور مهار انقلاب کمونیستی در ایران با آنان به مذاکره می نشیند و تلاش می کند از اقدامات انقلابی-الحادی آنها در گیلان و ایران جلوگیری نماید. به شهادت اسناد موجود، هر نوع مرادده حکومت جنگل با روسیه بلشویک متوقف است بر عدم تبلیغ آموزه های کمونیستی و پرهیز از دست زدن به اقداماتی مشابه آنچه در روسیه اتفاق افتاده است. مانند مصادره اموال مردم به بهانه سرمایه داری و... کیاست میرزا در مذاکره با خارجی ها موجب آن می شود که همه مخالفان اسلام خواهی در دشمنی با نهضت جنگل به توافق برسند و باروش



نماهنگ میرزا کوچک خان  
هویت بخش به نسل جوان

## گریز:

## اقیانوس حیرت

چطور بدرقه باشکوه حاج قاسم سلیمانی باعث حیرت رسانه‌ها و اندیشکده‌های غرب شد؟



رهبر انقلاب اسلامی در دیدار دست اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی (۹۹/۹/۲۶) فرمودند: «[شهید سلیمانی] پس از شهادت هم دشمنان را شکست داد. این تشییعی که در ایران شد، تشییع عجیب و واقعا فراموش نشدنی‌ای [بود]؛ و همچنین تشییع میلیونی‌ای که در عراق شد؛ در نجف، در بغداد ایشان تشییع شد، تشییع میلیونی عجیبی؛ ایشان و شهید ابومهدی مهندس باهمدیگر تشییع شدند. در واقع این تشییع، و بعد بزرگداشت‌ها، ژنرال‌های جنگ نرم استکبار را متحیر کرد. اینهایی که در جنگ نرم استکبار برجسته‌اند و در واقع آنها

داشته‌اند) نیز ضربه نهایی را به نهضت می‌زد و در نهایت میرزا برای اعلام اصالت نهضت در بستر تاریخ، از اریکه نخست وزیری جمهوری جنگل به زیر آمده و به دامن جنگل پناه برد تا اعلام کند که هرگز با حضور بلشوئیک‌ها در ایران و گیلان موافق نبوده و هرگز نااهلان و نامحرمان، جائی در نهضتش ندارند و اعلام کند که ترس و تردید و اعتماد به بیگانه و عدم تحلیل صحیح از شرایط توسط برخی از یاران، هزینه سنگینی برای همه، از جمله خودشان خواهد داشت! آنگونه برای حاج احمد کسمایی و دکتر حشمت سرنوشت غم‌باری رقم خورد.

اهمیت مسئله نفوذ در یک نهضت اصیل، بر هیچ خردمندی که تاریخ را به قصد عبرت آموزی تورق کرده باشد، پوشیده نیست. این است که راهبران انقلاب اسلامی ایران با اتکاب بر تجارب تاریخی ملت ایران، همواره بر ملاک قرار دادن حال فعلی انقلابی‌ها، عدم سهل‌انگاری در اعتماد به نااهلان و نامحرمان، و توجه به عنصر حیات بخش بصیرت سیاسی-اجتماعی، و بستن راه‌های نفوذ دشمن، هشدار داده‌اند.

کلیشه‌های رسانه‌ای، نشانه‌گنجی در فهم واکنش افکار عمومی  
 اما ساعاتی طول نمی‌کشد که موج ابراز تعجب‌ها، رسانه‌های آمریکایی و اقماری غربی آن‌ها را فرا می‌گیرد. واکنش‌گتن‌پست تیترو می‌زند: «مراسم تشییع سلیمانی در ایران، شاهد جمعیتی عظیم است که انتقام‌افریادی می‌زنند.» این روزنامه‌سپس برای آنکه باز هم کلیشه‌های خبری رسانه‌های غربی را خدشه‌دار نکرده باشد، ضمن اشاره به حضور اجباری! این جمعیت عظیم در مصاحبه با علی فتح‌الله‌نژاد، یکی از کارشناسان آلمانی-ایرانی مؤسسه‌ی بروکینگز (اندیشکده‌ی سیاست‌گذاری عمومی در آمریکا) و عضو مهمان آن در مرکز دوحه‌ی این مؤسسه، نوشت: «محبوبیت ژنرال ایرانی به‌عنوان یک چهره‌ی میهن‌پرست که از امنیت ملی ایران در مقابل تهدیدهای داعش پاسداری می‌کرده» علت این اجتماع عظیم بوده است. شبکه‌ی CNN نیز با اندکی تأخیر سه روز پس از واقعه، در چند گزارش پوشش تشییع عظیم را آغاز کرد. «سیل جمعیت برای تشییع سلیمانی در خیابان‌های تهران سرازیر شده و خواهان انتقام است» و نوشت: «توده‌های عظیم برای تشییع قاسم سلیمانی در زادگاهش به خیابان

هستند که دارند فعالیت می‌کنند و ژنرال‌های جنگ نرم آمریکا و استکبار هستند، اصلاً متحیر ماندند که این چه وضعی است؛ این که بود، این چه بود؛ این چه حرکت عظیمی است که آن‌ها را شکست داد.» در این مطلب، گزارشی از عکس‌العمل رسانه‌ها و کارشناسان غربی بعد از مواجه شدن با تشییع حاج قاسم و ابومهدی در ایران و عراق ارائه می‌گردد.  
**گیج از سیلی**

صبح روز سیزدهم دی‌ماه، وقتی که هنوز خبر ترور شرورانه‌ی سردار سلیمانی توسط آمریکا به دستور مستقیم دونالد ترامپ به درستی در میان افکار عمومی هضم و دریافت نشده بود، BBC با تعجب ذیل تیترو «عزاداری هزاران عراقی برای ژنرال ایرانی ترور شده» وضعیت آغاز حرکت در خیابان‌های بغداد را در اعتراض به اقدام خصمانه‌ی آمریکا این‌طور توضیح داد: «عزاداران در ساعات ابتدایی صبح، در خیابان‌های بغداد جمع شده‌اند و در حالی که پرچم عراق را تکان می‌دهند فریادی زنند: مرگ بر آمریکا» و اذعان کرد این بخش از بغداد همان منطقه‌ی سبزی است که سفارت آمریکا در آن قرار دارد و تا همین چند وقت پیش درگیری‌هایی در آن اتفاق افتاده بود.



موضوع حمایت گسترده‌ی افکار عمومی در قالب حضور باشکوه در خیابان‌ها را مسکوت گذاشت.

مراسم تشییع، مانور قدرت ناتمام سردار آما پایگاه فایننشال تایمز، روزی که پیکر سردار در مشهد در حال تشییع بود، به انتشار گزارشی میدانی از مردم حاضر در مراسم پرداخت و از قول خانمی هفتاد ساله نوشت: «حتی جسد مرده‌ام هم باید در این مراسم شرکت می‌کرد!» و اضافه کرد: «در حالی که ترامپ ایران را در صورت انتقام جویی به واکنشی ویرانگر تهدید می‌کند، جمهوری اسلامی، مراسم تشییع

آمده‌اند» هرچند که این گزارش تصویری با لحنی آمیخته با تعجب مراسم کرمان را نشان می‌داد، اما گوینده‌ی این اخبار به بسته شدن خیابان‌های تهران در مراسم یک روز قبل نیز اشاره و آن را تظاهراتی میلیونی خواند که عزاداران، پیکر فرمانده شان راده‌ها کیلومتر همراهی کرده و با پرچم‌ها و تصاویری در دست، «مرگ بر آمریکا» و «انتقام» را فریاد می‌زده‌اند. VOA رسانه‌ی دولت آمریکا نیز جمله «جمعیت عظیم تهرانی برای سلیمانی در تشییع او عزاداری می‌کنند» را به عنوان تیتر مطلبش برگزید هرچند که در متن تحلیل،

سردرگمی را BBC در مطلبی با عنوان «چرا این جمعیت عظیم برای تشییع فرمانده ایرانی بیرون آمده است؟» که چهار روز پس از واقعه نوشته، خوب نشان می‌دهد و با تعجبی مضاعف می‌نویسد: «یکی از عظیم‌ترین اجتماعاتی که تاکنون برای تشییع در ایران دیده شده، برای قاسم سلیمانی به خیابان‌ها آمده است. فرماندهی بلندپایه که توسط حمله‌ی هوایی آمریکا کشته شد. از جهت مقایسه حجم جمعیت، این تشییع، دومین مراسم پس از تشییع آیت‌الله خمینی در سال ۱۹۸۹ است.» این مطلب که در کنار فیلمی از مراسم تشییع سردار در تهران منتشر شده بود، پس از آن هم با قطعیت این‌طور ادامه می‌داد: «این صحنه‌ها برای بسیاری از خارجی‌ها و حتی مقامات بسیار بلندپایه کشورها هم تعجب‌آور است.»

پس او، قدرت نرم بودن نه صرفاً قدرت نظامی بسیاری از این کارشناسان آرام‌آرام شروع کردند به فهمیدن یا دست‌کم ابراز و اذعان به این که قاسم سلیمانی نه صرفاً یک مقام بلندپایه‌ی نظامی که در متحد کردن نیروهای رزمی در منطقه موفقیتی غیرقابل انکار داشته، بلکه محور و تجلی قدرت نرم ایران در منطقه نیز بوده است. کمتر کسی از میان آنان فکر می‌کرد که با

تشییع سلیمانی را تبدیل به نمایش قدرت خود کرده است.» این پایگاه سپس در گفت‌وگو با مردم و برخی کارشناسان داخلی، علت وسعت کم سابقه‌ی این مراسم را جست‌وجوی کند؛ اما تلاش این رسانه‌های کارگشته در فهم علت وسعت مراسم تشییع سردار، ناکام‌تر از همیشه است. رسانه‌ها دیگر نمی‌توانند از ابراز تعجب خود طفره برونند. در حالی که اغلب آن‌ها به ابراز تعجب اکتفا می‌کنند، برخی علت حضور این جمعیت عظیم را به اجبار دولت حواله می‌دهند؛ اما با گذشت پنج روز و سیل جمعیت از عراق و اهواز و مشهد و تهران و کرمان، بی‌پایه و غیرقابل باور بودن این تحلیل بیرون می‌ریزد. برخی دیگر آن را محصول پروپاگاندا‌ی حکومت ایران می‌دانند، در حالی که افکار عمومی مردم جهان می‌گوید سردار قاسم سلیمانی تأپیش از اقدام خصمانه‌ی آمریکا نزد افکار عمومی ایران ناشناخته بوده و آنان قادر نیستند این واقعیت را با تحلیل خود جمع کنند. در واقع نه ناظران رسانه‌ها توان درک ابعاد عظیم حضور این جمعیت را دارند و نه کارشناسان مؤسسه‌های دیرینه‌ی مطالعاتی که به آن‌ها مراجعه می‌کنند، تحلیل درستی از نسبت افکار عمومی ایران با این واقعه دارند. این



افکار عمومی منطقه، سلیمانی را از نزدیک می‌شناخت

اما هنوز این نقاط اطلاعاتی و این گراف دست‌کم در حوزه‌ی اطلاعات آشکار به یکدیگر متصل نشده بودند. زمان لازم بود تا چند روزی پس از شهادت سردار سلیمانی، پیترو مندویل، مدیر بخش (ژئوپلیتیک قدرت نرم دینی) در مرکز تحقیقاتی برکلی و از اعضای دپارتمان ستاد برنامه‌ریزی سیاسی آمریکا (بازوی استراتژیک وزارت خارجه) در دوره هیلاری کلینتون و از گردانندگان سیاست آمریکا در قبال «بهار عربی» کلیدهای بیشتری را درباره‌ی اهمیت شخصیت سلیمانی در قدرت نرم ایران در منطقه روشن کند. پیترو مندویل در این گفت‌وگو با اشاره به نقش سردار در ارتباط با قدرت نرم دینی ایران در منطقه، علی‌رغم موج برچسب‌زنی‌های رسانه‌های غربی به نیروی قدس به عنوان پایه‌گذار و هدایت‌کننده‌ی شبه‌نظامیان شیعه تصریح می‌کند: «به نظر من چیزی که مهم است تصمیم‌سازان و افکار عمومی متوجه باشند این است وقتی بحث به قدرت نرم دینی می‌رسد، ایرانی‌ها برعکس عربستان سعودی یک مزیت نسبی دارند و آن اینکه رویکرد آنان به دین هیچ‌وقت از آن‌هایی نبوده که مثل کارشناسان سعودی

برداشتن سد سلیمانی از پیش پای آمریکا در منطقه به معنای ساختن سد بلندتری از افکار عمومی ایران در برابر آن‌هاست. اوایل ژانویه ۲۰۱۷، چندماه پیش از آنکه سردار سلیمانی با فتح ابوکمال در شرق سوریه، پایان داعش و البته ارمغانی استراتژیک برای امنیت منطقه و محور مقاومت را رقم بزند، مایکل روبین، متخصص حوزه‌ی ایران و ترکیه در مؤسسه‌ی «امریکن اینترپرایز» در مطلبی با عنوان «قاسم سلیمانی را بگیرید»، صراحتاً عنوان می‌کند که آزادگذاشتن سلیمانی در خاورمیانه، تصویری ضعیف و تحقیرشده از آمریکا را در منطقه به نمایش می‌گذارد. او پیشنهاد می‌دهد که فرمانده ایرانی باید کشته و یا ربوده شود. مؤسسه «میدل ایست» از مجموعه نهادهای تحقیقاتی مستقر در واشنگتن با پیش از نیم‌قرن سابقه نیز در فوریه‌ی همان سال، برگزاری جشن بزرگداشت انقلاب ایران در ۲۲ بهمن را در حلب و برخی شهرهای دیگر سوریه نشانه‌ی هژمونی قدرت نرم ایران دانست و مراکز فرهنگی ایران در سوریه، لبنان و افغانستان را با هدایت نیروی قدس، از مؤلفه‌های این قدرت و نفوذ هژمونی ایران در منطقه برشمرد.

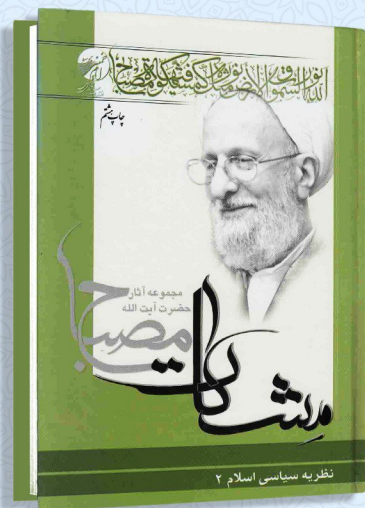
می‌کردند از او چهره‌ای تروریست بسازند، همان کسی بود که خود نیز بارها اذعان کردند کلیدی‌ترین شخصیت در جمع کردن بساط داعش از منطقه است. مردی که آمریکایی‌ها از او اهریمن می‌ساختند تا حضور غاصبانه‌شان را در منطقه توجیه کنند همان کسی بود که وقتی محموله‌ی غذا به منطقه‌ی تحت محاصره‌ی داعش در شرق سوریه می‌رسید، در دل خطر، از ماشینش پیاده می‌شد تا بادستان خودش غذا را در دست سنی‌های سوری بگذارد. آمریکایی‌ها بدون شک بیش از افکار عمومی منطقه، شمایی را که از سلیمانی ساختند، باور کردند و به همین خاطر بود که تماشای سیل جمعیت در کشورهای منطقه را هضم نکردند و برنتابیدند.

تلاش کنندیک تفسیر خاص از دین را تحمیل کنند و به زور در حلقوم مردم بریزند. ایرانی‌ها بسیار باهوش و پیچیده در شناخت ذهنیت مردم بومی در خاورمیانه، آفریقا، جنوب آسیا و به طور کلی «جنوب جهان» عمل کرده‌اند و فهمیده‌اند نگرانی‌های این مردم واقعاً خیلی بیشتر به شکل توزیع قدرت سیاسی و اقتصادی در جهان ارتباط دارد تا این مسائل. بنابراین راهی که آن‌ها برای ترجمه‌ی گفتمان دینی به مجموعه‌ای از روایت‌ها در باره‌ی مقاومت، عدالت اجتماعی و مبارزه با نابرابری پیدا کرده‌اند، باعث شده است تا دستیابی به قدرت نرم فراملی در گستره‌ای وسیع، برایشان آسان‌تر باشد. ژنرالی که آمریکایی‌ها چه قبل و چه بعد از ترور، تلاش



مقام معظم رهبری:

نقش کتاب یک نقش بی بدیل است، البته بهترین کتاب‌ها، کتابی است که انسان را به سمت خداوند و ارزش‌های والا و انقلابی هدایت کند، و امیدواریم کتاب جایگاه حقیقی خود را در جامعه بیابد. ۱۳۹۷/۰۲/۲۱



آقای کریم سبحانی تنظیم و نگارش آن را بر عهده داشته است. یکی از اهداف برگزاری نماز جمعه آشنایی بیشتر مؤمنان با مبانی و مسائل اسلامی و افشای توطئه‌های سیاسی فرهنگی منافقان و دشمنان

## بی بدیل:

معرفی کتاب خوب و خواندنی

### کتاب نظریه سیاسی اسلام علامه مصباح یزدی (ره)

کتاب دو جلدی نظریه سیاسی اسلام، سلسله مباحث مربوط به اندیشه و نظام سیاسی اسلام و مقایسه آن با نظام سیاسی غرب است. در این مباحث با رویکردی تحلیلی و مستدل از حکومت اسلامی و مبانی ولایت فقیه دفاع شده و ایده عدم جدایی دین از سیاست مورد تأکید قرار گرفته است. در جلد اول از جایگاه سیاست در دین، آزادی در اسلام، ساختار و شکل حکومت اسلامی، ملاک اعتبار قانون و تفاوت‌های نگرش اسلام و غرب از تفاوت‌های فرهنگ اسلامی و غربی بحث گردیده است. یکی از این تفاوت‌ها این است که در فرهنگ اسلامی ربوبیت تشریحی پایه و بنیاد قانونگذاری است. اما در تفکر غربی انسان محوری بیناد همه چیز است. در مباحث پایانی از رابطه اسلام و دموکراسی نیز بحث شده است.

این کتاب مجموعه سخنرانی‌های استاد مصباح‌پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران است که حجت‌الاسلام والمسلمین

که موضوعات این زمینه بسیار گسترده است، ناچار باید مباحثی گزینش شود که بیشتر مورد نیاز جامعه است. به این منظور حضرت استاد مصباح یزدی بیشتر بحث‌هایی را مطرح می‌کنند که ناظر به شبهات و سوالات روز جامعه است. بر این اساس مباحث اصلی کتاب از این قرارند: -آیادین، در زمینه سیاست و حکومت نیز دیدگاه و نظریه خاصی دارد، یا ساحت قدسی دین مبرّای از این امور دنیایی است؟ -آیا نظریه سیاسی اسلام، تأسیسی است و اسلام حرف تازه‌ای در سیاست و حکومت دارد، یا امضایی است، و یکی از اشکال حکومت و سیاست بشری را به رسمیت می‌شناسد؟ -ماهیت حکومت اسلامی چیست؟ آیا از نوع تئوکراسی (حکومت خدایی، آن‌چنان‌که در مسیحیت مطرح است)، دیکتاتوری، یا دموکراتیک است، یا ماهیت دیگری دارد؟ -ارکان حکومت اسلامی کدام‌اند؟ -شکل حکومت اسلامی چگونه است؟ سلطنتی، جمهوری، تئوکراسی یا گونه‌ای دیگر؟ -نقش مردم در حکومت اسلامی چیست؟ -مباحث تاریخی در باب حکومت اسلامی؛ سیر تشکیل حکومت اسلامی در طول تاریخ و...

اسلام است، تا مردم مسلمان آمادگی فکری لازم را برای دفاع و پاسداری از سنگرهای عقیدتی کسب کنند. در پی اوج‌گیری دوباره فعالیت‌های جریان‌های التقاطی و به خطر افتادن بنیان‌های اعتقادی نسل جوان، ستاد برگزاری نماز جمعه تهران از استاد برای سخنرانی پیش از خطبه‌ها دعوت به عمل آورد. ایشان نیز پذیرفتند و سلسله سخنرانی‌هایی به منظور دفاع از حاکمیت اسلام در مقابل شبهات مطرح شده در سطح جامعه ایراد کردند. هرچند جناب استاد کوشیده‌اند تا در هر جلسه به‌گونه‌ای بحث را مطرح سازند که ارتباط آن با مباحث پیشین برای مخاطبانی که احیاناً در بعضی جلسات حضور نداشته‌اند. به طور کامل روشن شود؛ ولی اقتضای بحث به‌گونه‌ای است که استفاده مفیدتر از آن متوقف است بر اینکه مخاطب از پیشینه کل بحث اطلاع داشته باشد. از این رو جمع‌آوری و تنظیم این مباحث در قالب کتاب حاضر، در دستور کار قرار گرفت. همان‌گونه که حضرت استاد در مقدمه فرموده‌اند، مقصود از فلسفه سیاسی اسلام در این مباحث، تبیین نظریه اسلام در باب حکومت و سیاست است و از آنجا



نشریه تخصصی بصیرت و سیاست

بسیج مدرسه علمیه بقیه الله علیه السلام

@ b a s i j \_ m e b q



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بسیج مدرسه علمیه بقیة الله

@ b a s i j \_ m e b q

